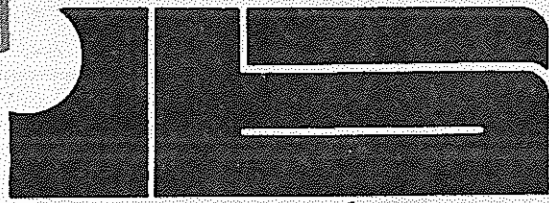


کارگران و رحمتکشان
متحد شوید



نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
و پایگاه داخلیش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۱۶ صفحه ۲۰ ریال

چهارشنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۱۷

چون گوهر استوار و چون پولاد مقاوم و سرسخت باشیم

مقاله تحریم انتخابات ریاست جمهوری

حزب جمهوری اسلامی پس از قبضه کامل قدرت و پس از کناره دادن بنی صدر اینک سعی دارد با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آخرین موطع حکومتی را نیز رسماً به تصرف درآورد و به سلب خود بر تمامی نهادها شکلی قانونی بخشد. با وجودیکه این انتخابات ویژگیهای خاص خود را دارد، راست با وجودیکه این انتخابات حتی پیش از انتخابات گذشته جنبه فرمایشی و نمایشی دارد، با وجودیکه بر اثر رشد مبارزه طبقاتی و بهر اثر او جگیری مبارزات توده ها، بر اثر افشای بیش از پیش چهره فدخلقی حزب جمهوری اسلامی و بر اثر سیاستهای سرکوبگرانه رژیم این انتخابات نمیتواند بصورت مسالمانه حادثه ها درآید و مبارزات - شان را تحت الشعاع قرار دهد. اما علیرغم تمام این عوامل - با وجودیکه در انتخابات کثرت ما نسبت به انتخابات تا شبر خواهد نهاد - ما و سایر نیروهای انقلابی را از موضعگیری در مقابل سلب انتخابات آتی مبرا نخواهد کرد. همواره و بهر انتخاباتی ابتدا باید به یک سؤال اصلی پاسخ روشن و صریح داد. شرکت در انتخابات و یا تحریم آن بقیه در صفحه ۲

رویا روشی با دشواریها و آزمونهای سخت است که تاریخ در برابر جنبش انقلابی و سازمانهای سیاسی قرار داده است. در اینجا است که بویژه کمونیستها باید در عمل نشان دهند که برآستی انسانهای از تنبایدیگرند و با ایمان به پیروزی - طبقه کارگر و توده های زحمتکش در برابر سختی ها و دشواریها چون گوهر استوار و چون پولاد مقاوم و سرسخت با دشواریها و دشواری روشی میکنند. سرسختی و رنجش کمونیستی جهانی سرشار است از چنین مقاومت ها، پایداریها و حماسه آفرینی بقیه در صفحه ۱۳

رفقا! هر جنبش انقلابی و هر سازمان سیاسی در طول حیات خود فرازونشیب ها طی را پشت سر میگذارد، و در دوره آزمایشیش مبارزات سخت در سبب می آموزد. راه پیروزی خود را هموار می کند. بدون گذشت از یک سری موانع و دشواریها، بدون رویارویی با نبردها و آزمونهای سخت نه هیچ جنبش انقلابی به پیروزی رسیده است و نه هیچ سازمان سیاسی تبدیل به پیش آهنگ آبدیده و پولادین طبقه و رهبری کننده توده ها گشته است. آنچه که امروز در میهن ما میگذرد، نمونه ای از این

خمینی چه گفت خمینی چه کرد؟ (صفحه ۹)

انتخابات میان دوره ای مجلس، نموداری از سلب اعتماد توده ها از نهادهای حاکمیت صفحه ۱۶

- در این شماره
- جنبش جهانی
 - جنبش کارگری
 - گزارشی از ترکمن صحرا
 - از اعلامیه ها و... کارگران پیشرو

بود چه؟ گامهای بلند بسوی امپریالیسم جمهوری اسلامی تکمیل آرزوهای شکن

آنچه که در باره سیاستهای اسفانگیز حکومت در چگونگی تامین درآمدها گفته شد، تنها نیمی از موقعیت ورشکسته و سیاستهای فدخلقی رژیم را آشکار میسازد. برای تکمیل این تصویر با بد نیمه دیگر بودجه، یعنی چگونگی هزینه های دولت را نیز در نظر گرفت. بی شک چگونگی و جهت تامین درآمدها و هزینه ها نمیتواند

بی ارتباط با یکدیگر باشد. وقتی سیاستهای تامین درآمدهای دولت در جهت نزدیکی به امپریالیستها، تشدید وابستگی و فشار بر توده های زحمتکش میهنمان قرار دارد، سیاستهای راکه دولت در جهت خرج این درآمدها متعهد میشود نیز در همان راستا واقع میشود. بقیه در صفحه ۷

مرگ بر حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی
پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

تحریم انتخابات ریاست جمهوری

سایرسوالاچ، شکل انجام هر عمل - و
وسایلی که در هر مورد بکار گرفته خواهد شد
پس از جواب به این سوال اصلی تعیین
میکردد. در نتیجه ما سعی خواهیم کرد این
سوال اصلی را پاسخ گوئیم و موضع خود
را نسبت به انتخابات ریاست جمهوری
روشن کنیم.

تحریم یا شرکت در انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات در جا معمه بورژوازی
در جهت ایجاد و تثبیت یک نهاد (حکومتی)
انجام میشود. هیچگاه و هر قافله ارتجاعی
بودن این نهاد بورژوازی نمیتواند
موجب تحریم انتخابات گردد. هیچگاه
نمیواند شرکت در انتخابات مجلس
شورا را فقط بدلیل ارتجاعی و ضد خلقی
بودن این مجلس تحریم کرد. مثلاً -
کمیونتهای "جیب" لمان در مقابل سوال
"آیا باید در برابر لمان بورژوازی شرکت
کرد؟" میگفتند "باید هر گونه با زشتی را
نبوی نگفتند" میازره یا لمانی که از
لحاظ تاریخی و سیاسی کهنه شده است
با تعلیمت در کرد، "ولتین در پاسخ به
آنان میگفتند "ما لمان را ریم" از لحاظ
تاریخی کهنه شده است" این مطلب از نقطه
نظر تبلیغات صحیح است ولی همه کس
میداند که این امر تا غلبه عملی بر آن -
هنوز خیلی راه است... آیا پارلماناریم
از لحاظ سیاسی کهنه شده است؟ این مطلب
دیگریست "تا زمانیکه "سلوینها" و
"لژیونها" پرولترهنوز نه تنها بطور
کلی طرفدار پارلماناریم بلکسسه
منتخما "عدا انقلابی هستند" نوقت گونه
میتوان مدعی شد که "آیا لمان را ریم در
آلمان از لحاظ سیاسی کهنه شده است...
"بیمازی کودکی" یک روی در کمونیسم
بدرستی روشن است درک ما هیت مدخلی
انجام برای یک نهاد یا کمیونتهای زسوی
بیشرو نمیتواند نسبتاً ملکه آنجا تا کنون
قرار گیرد. باید دید موضع توده ها در این
موضوع چیست. مطلب بر سر آنست که تصور شود
"انتخابات" ما کهنه شده است؟ برای طبقه
برای توده ها هم کهنه شده است؟ (هما نجا -
تا کنون از آنتین است) در نتیجه روشن
است بدون تکیه بر تحلیل مرفه از شرایط
مشخص میازره بدون بررسی سطح مبارزاتی
توده ها در مقطع انتخاباتی بدون نظر
گرفتن تجارب انتخابات قبلی نمیتوان
سخنی از تحریم یا شرکت در انتخابات
به میان آورد. ولتین در این مورد در
مقابل استدلال سوسیال ولوینوینرها که
دوما را بنا بر "ما هیت نام انقلابی
و ارتجاعی است حکومت تحریم کردند چنانچه
میگفت "لاردرتی است استدلال برای
سوسیال دمکراتها معلوم است از آنجا که
هیچ نوع کوششی برای تحلیل از شرایط
تاریخی عملی بودن تحریم نمیکنند.
سوسیال دمکراتی که از موم مارکسیستی
عمل میکند تحلیل خود در باره تحریم را
مبنی بر درجه ارتجاعی یک مومس میازره
نهاده و غیره قرار نمیدهد بلکه با آنکه بر آن
شرایط ویژه میازره که در تجربه انقلاب
روسیه نتان داده شده... حرکت میکند.
هر کسی بدون تحلیل از تجارب گذشته
در باره تحریم کند چیزی را "موجوب
است" (مساله تحریم دوما - جلد ۳ اقلیات
انتخابی - تا کنون از ما است) بخوبی روشن
است تنها با تحلیل و بررسی شرایط
مشخص و ویژه موجود در هر مقطع زمانی و با
در نظر داشتن تجارب توده ها در این باره
با انتخابات است که میتوان در مقابل
انتخابات موضع مارکسیستی اتخاذ نمود.

تحریم چیست؟ و در چه مواقعی بکار گرفته میشود؟

گفتیم که انتخابات در جا معمه
بورژوازی در جهت ایجاد و تثبیت یک
نهاد بکار گرفته میشود. تحریم مومس را
است جهت جلوگیری از بوجود آمدن و
فعال شدن این نهاد. "ما" تحریمها
یک میازره است، نه در مقابل یک نهاد دوچون

بلکه علیه به وجود آمدن آن، یا بهتر
بگوئیم علیه فعال شدن آن... (مساله
تحریم دوما - جلد ۳ اقلیات) پس
مهمترین عامل جهت اتخاذ چنین
تحریم بررسی سطح مبارزات توده ها
و ذهنیت حاکم بر آنان است. باید دید
آیا وضعیت مبارزاتی توده ها این
اجازه را میدهد که بکارگیری تاکتیکی
جلوگیری از بوجود آمدن با فعال شدن
یک نهاد بدبختترین نیروی ممکن را گرد
خود بچرخند؟ آیا توده ها، یعنی آن مثال آما
در مقطع انتخاباتی مجلس خبرگان
زمانی که هنوز توده ها به شکل وسیعی
نسبت به رژیم متوجهند، زمانی که هنوز
توده ها تمامی امید خود را به معجزه
بلائیها بسته اند، آیا میتوان با تحریم
انتخابات این مجلسی آنان را بسیج
نمود، آیا حرکت ما در جهت جلوگیری از
اجا دادن آنها در واقع در راست تگیری در
مبارزات توده ها و ارتقاء آن بر جای
نهدیم چنان حرکتی تنها با عث منفرد
شدن نیروی پیشرو گردد، در چنان شرایطی
تحریم انتخابات مجلس خبرگان عملی
است چه روا نشود عملی است که فقط مبتنی
بر شناخت پیشرو از ماهیت ارتجاعی رژیم
و آن مجلسی انجام گرفته و هیچگونه اثری
و تحلیل وضعیت مبارزاتی و ذهنیت
توده ها در آن نیست. باید دانست که
مساله تحریم این است که آیا جایی برای
مبارزه علیه به وجود آمدن چنان نهادی
وجود دارد؟ (هما نجا) تحریم "کلا"
فائوتیتهای حکومتی را از زیر سوال
میآورد و علاوه بر آن قانونیتر رژیم را
که میخواهد آن نهاد را برقرار سازد زدن
نمیکند. هر نهادی مومس موجود است (ما
طریق رژیم از گذشته موجود قدمی)
میتواند به وجود بیاورد. "تحریم
وسیله ایست برای مبارزه که هدفش
است "سنگینی رژیم گذشته است به
طوری که اوقا در نشاندن نهاد دویم
مومس را بوجود آورد. قانونیتر رژیم را
بکار بیندازد. بنابر این برای این که
تحریم موفق شود باید یک فزینسی
مستقیم علیه رژیم فزینسی
یک قیام علیه آن و عدم اطاعت توده ای از رژیم
قدیمی (یک فزینسی از
شرایط تدارک قیام است) در نمود
متعددی وجود داشته و خود را نشان
باید... (هما نجا) تحریم نمیتوان
یک تاکتیکی مجزا و منفرد بلکه حلقه ای
است در زنجیره متصل تاکتیکیها. اتخاذ
تاکتیکی تحریم به معنی نفی رژیم موجود
به معنی زیر سوال کشیدن قانونیتر
آن و به معنی دعوت توده ها به مقابله
بازیم و سنگینی آن خود روشی در جهت
غربه زدن ویا تضعیف رژیم موجود
است. در همین رابطه است که ولتین
میگوید "تحریم اعلام جنگ علیه
رژیم قدیمی یک حمله مستقیم علیه آن
است مگر اینکه نتایج انقلابی
وسعی وجود داشته باشد... وگرنه
مهمیتی از موفقیت تحریم نمیتواند در
میان باشد... اما با اینصورت با بدوین
شود که تحریم تاکتیکی مومس دوران
اعتلای انقلابی نیست. در شرایط اعتلای
انقلابی، در شرایطی که توده ها در
مقابل رژیم حاکم بیبا خواسته اند، در
شرایطی که توده ها میز و دستا با قدرت
خویش دگرگونی های اساسی در ساخت
حاکمیت ایجاد میکنند، مومس را تاکتیکی
تحریم بکار گرفته میشود و این است
معنای اختصای این روش به اولین شرایط
نیست. تحریم اختصای به شرایط دارد که
رژیم حاکم در نزد وسیعترین توده ها

این شرکت است (ما) است که نیروی
آنان قادر به ایجاد تغییر در توان نیروها
باشد. هرگاه رای کمیونتهای در انتخابات
ریاست جمهوری نقش تعیین کننده باشد
آنگاه است که باید با بررسی مشخصی
کا ملا" دقیق از کارهای نیروهای
شرکت کننده در انتخابات به با معنی
قطعی دست یافت. آنگاه است که
کمیونتها قادرند با آنگاه به نیروی
خود، حتی در شرایط ویژه جناحی از
بورژوازی (و یا نیروی دیگر) رای دهند
در این شرایط شرکت در انتخابات به
حیرت از جهت تغییر توازن نیروها،
در خدمت مبارزه پرولتاریا تبدیل میشود.
تخاذ چنین تاکتیکی میتواند در خدمت
ارتقاء مبارزات توده ها قرار گیرد. در
چنین شرایطی میتوان از نیروی خود
جهت انتخاب نمودن جناح مطلوبتر
سودید (و این در شرایطی است که میتوان
چنین تمایزی را در میان نیروهای
شرکت کننده قائل شد. مثلاً آنگاه که
دمکراتهای انقلابی نیز در انتخابات
شرکت دارند و ما بهیچوجه با آنگاه به این
مساله که ما نمین دولتی بورژوازی نیسی
سیستم سرمایه داری سیاستها نیسی در
خدمت بورژوازی به پیش خواهد برد. از
انتخاب این نمایندگان در مقابل اصل
نمایندگان بورژوازی این نخواهیم
بشود، مسلم است که شرکت در انتخابات
و رای دادن به یکی از نمایندگان در عین
خدمت گرفتن نیروی موجود جهت
انتخاب جناح "مطلوبتر" در خدمت افشای
تزلزلات و نابیکیری همین جناح نیز
قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر شرکت
در چنین انتخاباتی همواره به معنی
وجود یا انتخاب جناح "مطلوبتر" نیست
بلکه میتواند در خدمت افشای یک نیرو
و یا سود بردن از تفاذهای موجود بین
جناحهای مختلف بورژوازی، و یا در زدن
به این تفاذهای و جلوگیری از یکبار چیدن
بورژوازی درون حاکمیت قرار گیرد.
(در صورت بورژوازی شرایطی ما در این
مورد بیشتر از خود حیم گفت.)
اینک میتوان به بررسی وضع موجود
و تاکتیکی ما در مقابل انتخابات ریاست
جمهوری پرداخت.
از یک سو باید نقطه آغاز تحلیل خود
را بر بررسی تجارب توده ها در رابطه با
انتخابات قرار دهیم. رژیم جمهوری اسلامی
طی دو سال و نیم حاکمیت خود را بر
توده ها را به پای صندوقهای رای کشیده
است و در تمام این مراحل نیز از خود
خبرینی جهت گفتن هر چه بیشتر توده ها
به انتخابات سود برده است. اما هرگاه
پروپاگاندا عمل را بررسی کنیم بخوبی
روشن میشود توده ها هر بار در انتخابات
خودست به رژیم و در اشرفی و بیگ
های حاکمیت ما بر زمینه خود استهزای
مشخص مادی به پای صندوقها رفته اند.
هر بار برای داده اند تا بدوین استهزایان
بر آورده شود. تا به یاد بماند که رژیم
ایجاد کرده و خواهستهای آنسان
بر آورده شود، اما تجارب عملی توده ها
در رابطه با نهاد های ایجاد شده شبر
سایری بر زده شدن تومسات آنسان
داشته. مثلاً دیدیم با وجود نفی مجلس مسان
(که خواست مردم بود) از سوی رژیم
توده های بسیاری در انتخابات مجلس
خبرگان شرکت کردند اما تجربه عملی
مجلس خبرگان که حتی در او اعتراض
مورد مسخره و مضحکه مردم قرار گرفت
باعث شد که رژیم برای آنکه دست بخت
ارتجاعی این مجلس را بخورد مردم
بدهد مجبور به کمک گرفتن از جانشینی
تخصیص یافت گردید. دیدیم استقبال
کامیابش از مردم از انتخابات مجلس شورا
پس از آنکه توده ها به شکل ملموس با
عقلگردهای ضد مردمی این مجلس آشنا
شدند و پس از آنکه مردم دیدند
تثبیت مجلس هم گوهی از کارهای بنا
شد و پس از آنکه توده ها در مقابل
مجلس سوسیالیستی از ارکان حمایت از
سرمایه داران و زمینداران استبداد
انتخابات ریاست جمهوری اخیر شکست
مفتحا در میان توده های صندوق کانیان
بخیه در صحنه ۱۵

حمله مزدوران جمهوری اسلامی به کارکنان پالایشگاه تهران

صبح روز دوشنبه ۱۳/۴/۸۰ کارکنان پالایشگاه تهران در محل پارکینگ مقابل پالایشگاه موردتهاجم پاسداران وانجمنی ها قرار گرفتند. در این ماجرا عده ای دستگیر شدند که هنوز از سرنوشت آنها خبری در دست نیست.

صبح روز دوشنبه کارکنان پالایشگاه تهران طبق روال روزانه وی بی خبر از آنچه که شب قبل در مرکز حزب جمهوری اسلامی اتفاق افتاده بود، با سرویسهای خود روانه محل کار شدند. آنها حتی از تعطیلی دوروزه تیریزی خبر ندادند. کارکنان ضمن حرکت، در سرویس از طریق رادیو از ماجرا با خبر شدند، اما برای

ادامه کار خود و کسب تکلیف، حرکت خود را به سوی پالایشگاه ادامه دادند. اما بلافاصله پس از ورود سرویسها به پارکینگ با وضعیتی غیرعادی روبرو شدند. یکی از نمایندگان شورازیر ضریا مشت و لگدیکی از شعبان بی‌مخها پالایشگاه (عضوانجمن اسلامی و سپاه پاسداران) قرار گرفته بود، تعدادی را از توبوسها با خشونت پیاپی میگرداند. اوضاع متشنج بود، انجمنی‌ها و پاسداران با خشونت و عصیانیت به سوی می‌دیدند، بهر حال کارکنان از میان این اوضاع آشفته سرکار خود بقیه در صفحه ۴

جنبش کارگری



اخباری از انجمن‌های اسلامی کارخانه‌ها

حکومت ضد خلقی جمهوری اسلامی همزمان با یورش به آزادیهای سیاسی حقوق دمکراتیک در نظر دارد جوخه فغان و رعب و وحشت را در کارخانه‌ها نیز ایجاد کند تا سرمایه آن سرمایه‌داران به راحتی بتوانند به استثمار هر چه بیشتر کارگران بپردازند. در این راه انجمنهای اسلامی بحثا به شاخکهای حزب جمهوری اسلامی در کارخانه‌ها از تمام شیوه‌های ممکن برای سرکوب مبارزات بحق کارگران، حاکم کردن فضای خفقان بر کارخانه‌ها استفاده می‌کنند. آنها در همکاری مستقیم با مدیریت کارخانه بوسیله تهدید، شناسائی و اخراج کارگران پیشرو و آگاه و دادن اطلاعاتی تهدیدآمیز و منع کارگران از هرگونه بحث سیاسی نقش ماواک کارخانه‌ها را بازی می‌کنند. اخبار زیر نمونه‌های کوچکی است در اثبات این گفتار:

در کارخانه ایران والورنودربنی که بین کارگران بر سر حاکمیت در میگردید یکی از افراد لایمپن کارخانه که عضو بسیج بوده و روابط بسیار نزدیکی هم با انجمن اسلامی دارد با ایجاد یک درگیری مصنوعی افراد کمیته را خنجر کرده و آنها هم سه تن از کارگران را به کمیته می‌برند یکی دیگر از نزدیکان انجمن اسلامی لیستی از عتق‌کنان کارگران که اکثرا "آگاه و مترقی" هستند تهیه کرده و به مدیریت می‌دهد و اعلام میکند که تا این عتق‌کنان کارخانه اخراج نشوند من به سرکار بر نمی‌گردم. در کارخانه‌های اروپا و شرقی و دن پاکسترو صنایع هواپیمائی انجمن اسلامی برای شناسائی کارگران آگاه عده‌ای از افراد بسیج سپاه پاسداران و افراد معرفی شده از خانه کارگران را مقرر انجمنهای اسلامی کارخانه‌ها است بقیه در صفحه ۴

تعطیل و اخراج کارگران صنایع فولاد اهواز تلاش برای ادامه کار فولاد کروب آلمان

رژیم جمهوری اسلامی که در پی بحران فزاینده اقتصادی، از پاسنگویی به خواسته‌های توده کارگران و زحمتکشان درمانده است، با تمام قوا تلاش میکند با ربحان را بردوش کارگران بگذارد. از این رو این رژیم برای تامین منافع سرمایه‌داران پیش از پیش دست به تعطیل کارخانه‌ها و اخراج کارگران زده است و هر دم بر میزان بیکاری و آوارگی وی خانمانی کارگران می‌افزاید. این رژیم که از یکسوی صنایع فولاد اهواز را تعطیل می‌کند و هزاران کارگر را بیکار می‌گرداند و این در حالی است که کمربند کارگران در زیر گرنی و تورم و وحشتناک گشته است از سوی دیگر برای ادامه مشارکت خود در انحصارات امپریالیستی کروب به فریب متوسل می‌شود و ادامه شرکت در کارخانه‌های فولاد کروب را جهت جلوگیری از اخراج کارگران این مواسه قلمداد می‌کند. اما واقعیت این است که رژیم جمهوری اسلامی برای ادامه مشارکت در کارخانه‌های فولاد اهواز را به تعطیل بکشد.

مبارزات کارگران صنایع فولاد که جهت جلوگیری از تعطیل این مجتمع از مدت‌ها قبل ادامه داشت با اعلام تعطیل این مجتمع اوج تازه‌ای گرفت. کارکنان برای ادامه مبارزه پیگیر و مستمر خود دست به تشکیل شورائی بنام "هیئت منتخب کارکنان مجتمع فولاد اهواز و شرکتیهای تابعه وابسته زدند و در نخستین اطلاعیه خود همه کارکنان را به مبارزه جهت تحقق خواسته‌های زیر فراخواند:

- ۱- جلوگیری از تعطیل شدن مجتمع و پیمانکاریهای وابسته

۲- مخالفت با هرگونه کاهش حقوق و دستمزد کارکنان

۳- مخالفت با اجرای طرح‌های از تقبیل تعاونی، تعطیل موقت و... شورا برای ادامه مبارزه ۲ نفر از نمایندگان را جهت مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی به تهران فرستاد. نمایندگان شورا در تهران ابتدا با احمدزاده وزیر صنایع ملاقات کردند. آقای وزیر در پاسخ خواسته‌های کارگران گفت:

من شما را به رسمیت نمی‌شناسم و پاسخی برای شما ندارم "سپس نمایندگان شورا پس از رفتن به نخست‌وزیری و سایر ارگانهای دولتی بدون نتیجه به اهواز برگشتند. نمایندگان شورا جریان خود در تهران را در یک مجمع عمومی به اطلاع تمام کارکنان رسانند. آنها کارکنان را تشویق به مبارزه برای تحقق خواسته‌های مادره در قطعنامه فراخوانند، که با استقبال پر شور کارکنان روبرو شد.

مبارزات کارکنان با تجمع و راهپیمائی در روزهای شنبه و یکشنبه ۱۳۰۳ خرداد ماه ادامه یافت. در روز یکشنبه کارکنان ضمن تعطیل نمودن تمام قسمت‌ها دست به راهپیمائی زدند. در این راهپیمائی کارکنان بر علیه مقامات جمهوری اسلامی و انجمن اسلامی شعار می‌دادند. پاسداران سرمایه به کارکنان یورش آوردند و آنها ضمن بستن راه‌های ورود و خروج کارخانه از کارکنان خود خواستند که متفرق شوند اما کارکنان پاسداران راهی نموده و شعار "انجمن اسلامی این لانه جاسوسی را نبودیا بگذرد" را رسالت می‌دادند. در پی جریانات روز یکشنبه و روز دوشنبه، پاسداران عده‌ای از نمایندگان و کارگران صنایع فولاد را مخفیانه دستگیر کردند تا کنون بقیه در صفحه ۴

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران

●●● اخباری از انجمن‌های

بقیه از صفحه ۳

به کارخانه آورده و بعنوان کارگر و کارمندی برای خریدنی به قسمتها فرستاده اند. اما کارگران که به ما هیت انجمن اسلامی پی برده اند از این افراد کناره میگیرند و به آنها بد چشم جاسوس نگاه میکنند.

در کارخانه اسکوتیب اطلاعیه‌ای صادر شده که کارگران حق هیچگونه بحث سیاسی در کارخانه ندارند و در اطلاعیه‌ای برای شناسائی کارگران مبارز و آگاه کمک خواسته شده.

در کارخانه مینوا اطلاعیه‌ای از طرف انجمن اسلامی صادر شده که نیروهای سیاسی حق ندارند در کارخانه اعلامیه‌ها پخش کنند هیچگونه بحث سیاسی نباید در کارخانه صورت گیرد و سرپرستها در این موارد باید دید "جلوی کارگران را بگیرند" بنام پندگانی کارگران به این اطلاعیه اعتراض کرده و اعلام کرده اند که انجمن اسلامی حق هیچگونه مداخله در امور کارخانه ندارد.

در شرکت واحد انجمنهای اسلامی نیروی خود را روی کوبیدن شوراها و مترقی تعمیرگاه و اخراج نمایندگان مترقی آن گذاشته اند آنها به بهانه کمونیست و غیر مسلمان بودن نمایندگان شورا قصد دارند ابتدا نمایندگان مترقی شوراها را اخراج کنند و سپس شوراها را از بین ببرند. در مجمع عمومی که هفته گذشته در تعمیرگاه ۴ تشکیل شده بود. بدنبال سعی انجمن اسلامی در دخالت در مسائل کارگران، کارگران اعلام کردند که انجمن اسلامی حق مداخله در امور کارگران را نداشته و آنها فقط شورا را به رسمیت می شناسند.

در کارخانه ایران ناسیونال به دنبال تخمین حدود ۷۰۰ نفر از کارگران که تحت عنوان ۵ درصدی خراج شده بودند اعلام شد تعدادی از این کارگران که در امتحان کتبی و سپس شفاهی ایدئولوژیک شرکت کرده و قبول شده اند میبایست در دوباره به کارخانه برگردند البته امتحان کننده انجمن اسلامی است.

به این ترتیب سیاستهای انجمنهای اسلامی بدنبال سیاست حزب جمهوری اسلامی در شرایط کنونی یورش جدیدی برای محو کلیه حقوق دمکراتیک کارگران است. هدف انجمن‌های اسلامی ایجاد انجمن جوی در کارخانه‌ها است که هیچ کاری جز صحبت از خواسته‌های برحق خود، افشاء سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی و فرو بردختی و بیگاری و گرانی را پیدا نکنند. اما در شرایطی که توده‌های زحمتکش مردم به ما هیت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی و تمام عملیات بی برده اند، در شرایطی که هر روز در آنها نفوذ را می‌بازد با سیاست سرکوب حزب جمهوری شهید میشوند انجمنهای اسلامی آرزوی ایجاد فغان را بگورخواهند برد. کارگران و زحمتکشان حزب جمهوری و انجمنهای اسلامی را نیز همچون رژیم سرزور شاه به گورخواهند برد. کارگران را به مبارزه برای آزادیهای سیاسی تشکیلات شوراها و انقلابی و بی‌طرف کلی مبارزه برای خواسته‌های دموکراتیک درون کارخانه‌ها بطور برجسته با انجمنهای اسلامی روبروی کرده است. با تمام قوا برای برچیدن این کانونها، از کارخانجات بپای خیزید!

تا بود با انجمنهای اسلامی زنده باد شوراها و انقلابی!

●●● حمله مزدوران

بقیه از صفحه ۳

روان شدند ما در پالایشگاه اعلام شد که در روز تعطیل است. مجدداً کارکنان برای بازگشت به منازلشان آمساده می شدند که خنونت شدت بیشتری گرفت راههای خروجی را رکیک بستند. اتوبوسها و سرویسها مورد بازرسی قرار می گرفت. صدای بگیر و ببند پاداران و انجمنی‌ها همه جا شنیده می شدند. سرویسها را متوقف کنید. همه جا را بگیرد، اجازه ندهید کسی خارج شود. و این ما جز با لایحه با دستگیری عده‌ای متجاوزان زده نفر از کارکنان پالایشگاه موقتاً "خاتمه یافت. حرکت پاداران مسلح و انجمن‌های پالایشگاه در بازگشت مقابل در پالایشگاه تهران برای بسیاری از کارکنان این پالایشگاه یادآور روزی بود که نظامیان شاه در ۱۷ شهریور به چادرهای که در مقابل در پالایشگاه برپا شده بودند حمله کردند. در آن روز نیز کارکنان مبارز پالایشگاه تهران بعنوان اعتراض به رژیم شاه در بازگشت پالایشگاه اقدام به برپائی چادرهای کرده بودند که مورد حمله و سرکوب و وحشیانه مزدوران رژیم سابق قرار گرفت. اما این بار حمله به کارکنان هدفش علاوه بر ایجاد محیط رعب و وحشت، دستگیری نمایندگان شوراها و پالایشگاه نیز بود.

ما به کلیه کارکنان مبارز و انقلابی صنعت نفت هشدار می دهیم که تنها مقاصد سرسختانه، متحد و یکپارچه میتوانند خطراتی را که جنبش کارگری، شوراها و بویژه شورای صنعت نفت را تهدید میکند برطرف نموده و امکان استقرار مجدد دیکتاتور را در جامعه و در محیط‌های کارگری بر طرف سازد. از اینروست که میگوئیم همه کارکنان مبارز صنعت نفت باید با حمایت از شوراها و انقلابی خود، با مقاومت در مقابل سیاستهای سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی، از دست آورده‌های انقلاب دفاع نموده و پاداران آزادی‌های سیاسی و حقوق دمکراتیک توده‌های کارگران و زحمتکشان باشند.

گویا ایدئولوژی اسلامی را فقط برای مشارکت در انحصارات امپریالیستی جابزمی شمارند این اعمال جزیبیان آشکار همدستی این رژیم با امپریالیستها نیست کارگران همین امروز دیگر فریب دغل کاریهای رژیم جمهوری اسلامی را نمی خورند و مبارزه برای راههای خود از سلطه امپریالیسم و کابو روسکن، آزادی - ادامه می دهند و در این مبارزه دوشادوش تمام کارگران جهان برای بنای جامعه‌ای فارغ از بهره‌کشی انسان از انسان به پیش می روند.

●●● تعطیل و اخراج کارگران صنایع فولاد اهواز

بقیه از صفحه ۳

احمدزاده وزیر صنایع برای جلوگیری از اخراج ۵ هزار کارگر گروه آلمان می گوید "طبق عقیده و ایدئولوژی ما سرنواشت انسانها را مهمتر از امور مصالح اقتصادی است" (روزنامه اطلاعات) جالب است که این آقای وزیر برای موسسه گروه صحبت از تشکیلات "شورای نظارت کارخانه" می‌کنند اما مشت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی در پالایشگاه توده کارگران و زحمتکشان باز شده است سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که در ایران با سرکوب و دستگیری نمایندگان شورا کمر به تاراج بردن پستانداری رژیم که با تعطیل کردن کارخانجات صنایع فولاد پیش از هزاران کارگر در ایران از کار بیچار کرده اند.

عده‌ای از کارگران آزاد شده و تعدادی از نمایندگان کارگران هنوز در اسارت بسر می‌برند و از سرنواشت آنها اطلاعیه در دست نیست.

آری رژیم جمهوری اسلامی که در مقابل خواسته‌های حق طلبانه توده کارگران خود را نتوان یافته است به چاره‌ای جز توسل به سرکوب کارگران نمی بیند رژیم جمهوری اسلامی که قرار دارد تا اسارت با خود را با کارخانجات فولاد گروه آلمان هنوز ادامه می دهد بهای ورشکستگی این انحصارات امپریالیستی را از جیب توده کارگران و زحمتکشان ایران می برد از دوشارت و در این انحصارات امپریالیستی را جهت "نفوذ ایدئولوژی اسلامی در جمهوری فدرال آلمان می داند و آقای

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است



از اعلامیه‌ها، تراکت‌ها و نشریات
کارگران پیشرو

اعلامیه‌های فوق حدوداً و آخر خرداد دو
اوایل تیرماه منتشر شده‌اند.

قروبین

عنوان اعلامیه‌ای که کارگران پیشرو قزوبین منتشر نموده‌اند "نظارات انقلابی کارگران توسط رژیم جمهوری اسلامی بخون کشیده شد." می‌باشد. در این اعلامیه پس از شرح مبارزات کارگران و سرکوب و وحشیانه‌انان توسط پاسداران سرمایه، خواسته‌ها و وظائف کارگران را بدین شرح اعلام می‌دارند:

- ۱- "آزادی بدون قید و شرط کارگران دستگیر شده.
- ۲- برکناری ظاهراتی و محاکمه عاملین کشتار کارگران در دادگاه‌های با حضور نمایندگان واقعی کارگران

۳- دخالت نکردن سپاه پاسداران در امور کارخانجات "در ادامه می‌نویسند: مسلم است که مبارزات کارگران برای دستیابی به خواسته‌های فوق تنها زمانی میسر است که مبارزات کارگران همه کارخانجات با یکدیگر و تحت رهبری واحدی پیش برده شود. این تنها از طریق انتخاب یک نماینده از هر کارخانه توسط شوراها و انقلابی و خودکار کارگران امکان پذیر است. این نمایندگان باید در یک اتحاد شورائی کارخانجات شهر صنعتی، مبارزات کارگران را برای خواسته‌های حق طلبانه‌اشان رهبری نمایند و تا رسیدن به خواسته‌ها ایشان در مبارزه با پاسداران اعلام اعتصاب نمایند."

گچساران

هواداران سازمان در گچساران اعلامیه‌ای تحت عنوان "دوروز تعطیل و ۴۰ ساعت کار در هفته حق مسلم کارگران است" منتشر نموده‌اند. در بخش‌هایی از این اعلامیه چنین آمده است: "کارگران مبارز گچساران روز پنجشنبه ۲۱/۳/۶۰ گروهی از کارگران قسمتهای پازنان، مستقالات، تعمیرات هوس کیپینگ، گاراژ، خط لوله و... منطقه گچساران شرکت نفت بعلمت اعتراض به پنجشنبه کاری سرکار حاضر نشدند. بدنبال اقدامات ضد کارگری مدیریت منطقه (نیگروش برادر نیک بی شهردار تهران) و انجمن اسلامی پیشرو سیاست دامن‌فروشان انقلابی حزب جمهوری (مثلاً "هاشم پورپیما نکا رنگبانیان) در جهت تهدید و جریمه نمودن کارگران مبارز، تحمین کوتاه مدتی با حضور قسمتی از کارگران در سالن ورودی ساختمان مرکزی شرکت نفت صورت گرفت... کارگران مبارز گچساران در مبارزات خویش برای کسب خواسته‌های برحق و رفاهی و سیاسی با یدلاق از تجربیات ۲۸ ماهه اخیرشان بهره گرفته و بداند که با نامه نوشتن، جمع‌آوری طومار، تلگراف زدن، مراجعه به افراد و ارگانهای دولتی، دردی از آنها دوا نخواهد شد... بنا بر این باید مبارزات خود را برای تشکیل یک شورای واقعی اقدامات جمع عمومی کارگران برای انتخاب نمایندگان واقعی و انقلابی خویش و افساء و طرد مدیریت، سرپرستان، انجمن اسلامی و نیروهای سرسپرده و سازشکار توده‌ای - جناح راست اکثریت اتحاد خویش را مستحکم نموده و مبارزات خود را ادامه دهند.

...همشهریان مبارز از حرکتشان گچساران! با حمایت از مبارزات سر حق کارگران شرکت نفت صفوف خویش را متحد ساخته و در افساء رژیم و نوکرانش بکشیم."

نفت

کارگران پیشرو صنعت نفت در رابطه با زندانی شدن (عبدا لاهمی‌رور ناصری و هادی اسدی حبس‌آبند، عبدالرسول بدیع مهاوی و مجید حسینی ده سال، حمشید رحیمی پنج سال و شیخ زاده، مه‌ما دوست، شاهپری و مخبی که تاکنون وضع آنها مشخص نشده است) و اخراج نمایندگان و همکارانشان تراکتی منتشر نموده‌اند. متن این تراکت بدین شرح است: "رژیم جمهوری اسلامی ایران مدت زیادی است که نمایندگان رنج‌گرددگان صنعت نفت را به زندان انداخته است. نمایندگان

شورای جزیره لاوان را از کار برکنار کرده است. نمایندگان روحانرا انقلابی پالایشگاه شیراز را با سلاح پاکسازی کرده است. و از این طریق سیاست‌های ضد کارگری و ضد موکراتیک خود را نشان داده است. کارگران مبارز صنعت نفت با مبارزه بخاطر آزادی زندانیان صنعت نفت، بازگشت نمایندگان شورای لاوان بسرکار، بازگشت کارکنان مبارز پالایشگاه شیراز و خویشی کردن فعالیت‌هایی که برای درهم کوبیدن شوراها صورت می‌گیرد. اجازه ندهیم سیاست سرکوب و خفقان جمهوری اسلامی در محیط‌های کارگری به اجرا درآید."

ساری

"مبارزه متحد برای تشکیل شورای انقلابی قامن پیروزی کارگران است" عنوان اعلامیه‌ای است که کارگران پیشرو راه و ترابری منتشر نموده‌اند. در قسمتهای از این اعلامیه چنین آمده است: "مبارزات کارگران مبارز ما شین آلات راه و ترابری (از مدت‌ها قبل برای دریافت حقوق عقب افتاده و حقوق ما موریت که بخشی از دستمزدشان بوده، ادامه داشته. اما مدیرکل (طواثی) با فریب و نیرنگ از پرداخت حقوق عقبه کارگران شانه خالی میکند... روز سه

شنبه ۱۹/۳/۶۰ اعتصاب متحد و یکپارچه کارگران شکل می‌گیرد... مدیر ما شین آلات (میر) کارگران را به از سرگرفتن کار دعوت میکند، و میکوشد با وعده و وعیدهای دروغین همچنان حقوق ابتدائی کارگران را پایمال کند... اعتصاب کارگران "ما شین آلات" قدرت اتحاد کارگران را نشان داد و دستهای تشکلس و حمایت ما از این مبارزات است که مدیران و دولت‌حامی آنان را به عقب نشینی وادار خواهد ساخت. یکپارچه و پیگیر مبارزه برای تحقق خواسته‌هایمان را با تشکیل شوراهای انقلابی ادامه دهیم"

چماق‌داری شاهنشاهی و

چماق‌داری جمهوری اسلامی

"چماق‌داری شاهنشاهی و چماق‌داری جمهوری اسلامی" عنوان اعلامیه‌ای است که کارگران پیشرو مه‌ما تشاری منتشر نموده‌اند. در قسمتهای از این اعلامیه چنین آمده است: "همه ما آخرین روزهای عمر تنگین رژیم منحوس شاهنشاهی را بیاد داریم... در کارخانه ما نیز عناصر خود فروخته عده‌ای از کارگران نا آگاه را به‌خیا با آنها کشانده تا به نفع رژیم شاه به سرکوب مردم بپردازند... حزب جمهوری اسلامی نیز همان شیوه‌های کهن متوسلسل

گردیده و دسته‌های چماق‌دار را به جان مردم انداخته است. در کارخانه ما نیز کانون اسلامی اینارگان سرکوب و توطئه و جاسوسی با کمک آیدای خود نظیر... عده‌ای از کارگران نا آگاه را برای سرکوب توده‌ها و نیروهای انقلابی به‌خیا با آنها میکشانند... اما توده‌ها ساکت نخواهند نشست. از تاریخ بیامروزیم رودز روی توده‌ها قرار نگیریم، با طرد کانون اسلامی و با شرکت در تظاهرات و نیروهای انقلابی بر علیه سیاست سرکوب و اختناق حزب جمهوری اسلامی بپا خیزیم تا بود با دامن‌های اسلامی این ارگان‌های سرکوب و خفقان وابسته به حزب جمهوری اسلامی"

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود

تلاش رژیم ایجاد جو خفقان در مناطق مختلف

مراسم شب هفت سه شهیدی که در هجوم به مردم قرچک ورامین و سرکوب مبارزات آنها توسط مزدوران رژیم به شهادت رسیده بودند از طرف مأموران کمیته بهم خورده در یورش پاسداران به مردم قرچک در روز بیست و هفتم خرداد سه تن از اهالی مبارز قرچک کشته شدند خانواده های آنها و گروهی دیگر روز سوم تیرماه برای مراسم شب هفت عازم بهشت زهرا می شوند که راه مرا توبوسی حامل شرکت کنندگان در مراسم توسط کمیته چپی ها بسته میشود. مأموران کمیته با تهدید و اعاب توبوس ها را به قرچک باز می گردانند. این حرکت خشم توده ها را افزون تر ساخت.

در حال حاضر جو پلیسی و اختناق به قرچک حاکم است. نیروهای آگاه و مبارز مورد حمله و هجوم قرار گرفته و دستگیر می شوند.

جوش رو اختناق و تعقیب علاوه بر قرچک بر مناطقی مثل شهرری و دولت آباد نیز حاکم است. در این مناطق پاسداران و کمیته چپی ها با گشت های مداوم خود با تعقیب نیروهای مبارز مردم آزاد بخوانه سعی دارند مردم را از شرکت در هرگونه حرکت مبارزاتی باز دارند اما توده ها با گسترش روزافزون دامنه مبارزات خود مشت محکمی بر دهان این کوردلان مرتجع میکوبند. گذشته از فشار پلیسی مزدوران رژیم در نقاطی که ذکر شد، دولت و

ارگان های سرکوب آن در شهرهای کوچک و بزرگ میهنمان سعی می کنند. رگود و خفقان را بر توده های مبارز تحمیل کنند. آنها در این راه از هیچ عمل رویگردان نیستند از تعقیب و گشتن ماشین ها و خانه های مردم دستگیری و شکنجه و اعدام های گروهی بدون محاکمه، به هر کاری دست میزنند تا شاید بتوانند چند صبا حی بیشتر در مستند قدرت بمانند. سیاست فشار و سرکوب از راه های گوناگون اعمال میشود و گشت های خیابانی یکی از مذبحخانه ترین انواع آن است. در هفته گذشته در چند نقطه تهران زنان و مردان حزب الهی و پاسدار اقدام به گشتن کیف، لباسی، و ماشین های عابریین کرده اند از جمله بعد از ظهر چهارشنبه سوم تیر در میدان فلسطین و پنجشنبه چهارم تیر در چهارراه مصدق، دست به تفتیش مردم زده اند. در هفته اول تیر خیابان نصرت منتهی به میدان توحید را بسته اند و تمام اتومبیل ها را گشته اند.

روز هشتم تیر عابریین میدان انقلاب مورد تفتیش و گشت مزدوران رژیم قرار گرفته اند و اخیرا "مزدوران رژیم برای این اعمال و تیرشنا سازی مبارزین از دختران فالانژ که برای این قبیل کارها دوره های مخصوص دیده اند، استفاده می کنند.

اعلامیه اتحاد ملی زنان در رابطه با شرایط اخیر

اتحاد ملی زنان در رابطه با شرایط کنونی و کشتار و اعدام های وحشیانه نیروهای انقلابی در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۱۶ - اعلامیه ای منتشر ساخته اند.

در این اعلامیه ضمن محکوم کردن این جنایات میخوانیم:

"کشتارهای چند روز اخیر بزرگ سنگین دیگری است بر کاروان ما رژیم جمهوری اسلامی. حمله به زندانها و بازداشتگاهها و کشتار وحشیانه جوانان بوسیله اسلحه گرم و سرد در خیابانها تنها گوشه ای از این جنایات است.

همچنین این اعلامیه ضمن اشاره به زندگی مبارزاتی رفقای چون فدائیی شهید سید سلطانی و شهید محسن فاضل که سالها با رژیم شاه و امپریالیسم مبارزه می کردند دنیا دهمه شهدای خلق را که توسط ایادی رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده اند گرامی داشته است.

اتحاد ملی زنان در اعلامیه دیگری با اشاره به حوادث روزهای اوایل خرداد ماه نقش رژیم جمهوری را در سرکوب جنبش توده ها توسط ایادی چاق قدر و پاسداران سرمایه افشاء نموده و با اشاره به شکنجه و کشتار و اعدام زنان و دختران مبارز خطاب به مردم مبارز می گوید:

"نسبت به فاجعی که رخ میدهد هشیار و نترسند و از جا خود را نسبت به این شیوه های ضد انسانی ابراز نکنید."

حمله به خانواده زندانیان در جلوزندان اوین

خانواده زندانیان اوین که روز ششم تیرماه برای ملاقات و خبر گرفتن از حال فرزندان خود به جلوزندان شاه ساخته اوین رفته بودند با تیراندازی، گاز اشک آور قنداق تفنگ و فحش و ضرب و شتم پاسداران سرمایه روبرو شدند، چند نفر زخمی و چند نفر نیز دستگیر شدند.

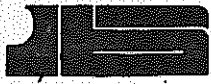
تعداد این افراد بین پانصد تا شصت نفر بود. فرزندان و نزدیکان آنها عمدتاً "در رابطه با جریانات اخیر دستگیر و یا تا پدید شده بودند و هر خانواده ای پس از روزها تلاش و جستجو در کمیته ها و زندانهای دیگر، به کشتارگاه اوین رسیده بود. در بزرگ زندان مرتب بازویسته می شد و اتومبیلهای حامل پاسداران زن و یا زندانیان تازه رفت و آمد می کردند. جمعیت جلو با جاه اطلاعات صف طویلی تشکیل داده بود یک پاسداران آنها را به محوطه باز جلب و زندان دعوت کرد. مردم بعد از مدتی مقاومت، با غرولند و ناراضی جلوس پاسدار جمع شدند، پاسداران را با آزادی

شدگان و نیز زندانیان را که اکثرشان زن بودند، خوانند. چند نفری که دیرتر رسیده بودند خواستند اسمی را دوباره بخوانند اما پاسدار توجهی نکرد. در این میان خانواده ها شروع به اعتراض کردند و به در زدن هجوم بردند، از آن طرف هم شلیک گلوله های آمریکایی هم به هوا و هم بروی مردم گشوده شد، گاز اشک آور پرتاب شد و شیرهای آب با فشار بروی مردم آب می پاشیدند. پاسداران ضد خلقی با این حرکات و ایجا د جووحشت، خانواده ها را تا جلوس هتل اوین "بدرقه" کردند و این مردم که "بجرم داشتن فرزندان مبارز و انقلابی چنین مورد ضرب و شتم و حمله پاسداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی قرار گرفته بودند، بدون اطلاع از فرزندان نشان و بدون دیدن آنها روانه خانه ها می شدند. اعلام تعطیل شدن زندان اوین و قطع ملاقات های زندانیان، همه در رابطه با همین جریان بوده است.

پاسداران، دختری را از اتاق عمل برای اعدام بردند

در یکی از روزهای آخر خرداد ماه دختری را که یک چشمش تیر خورده بود برای معالجه به بیمارستان میبرند. این دختر در خیابان مشغول فروشنده پیکار بوده است که مورد حمله پاسداران قرار میگیرد. پاسداران دختر را وادار کرده بودند بگویند کنفرمیخواسته بمن تجا و زن کند مرا با این روز انداخته است پاسداران در بیمارستان میخواهند وارد اتاق عمل بشوند که پزشکان مانع شده و می گویند باید خارج اتاق با بستید، درگیری بین پاسداران و پزشکان و پرستاران درمی گیرد. دکترها نه حاضر بودند پاسداران را به اتاق عمل راه بدهند و نه مریضی را تحویل بدهند. با لخره چند پاسدار با حکم داستانی مبتنی بر اینکه این دختر محکوم به اعدام است به بیمارستان می آیند، ورا از زیر دست پزشکان خارج کرده و با خود میبرند.

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران



بودجه ۶۰: گامهای بلند سوی امپریالیسم (۲) جمهوری اسلامی ننگین (از قیامهای ننگین)

غول بوروکراسی در خدمت امپریالیسم

در زمینه هزینه‌های جاری، یعنی هزینه‌های ارگانهای سرکوبگر حکومت (اعم از نظامی و اداری) رژیم باز "بناچار" عهده‌دار مراقبت از غول بوروکراسی - نظامی شاهنشاهی، که به "ارث رسیده‌است" می‌باشد. و الحاق که در این راه با تمام توان نه تنها در بازسازی آن کوشش میکند، بلکه با افزایش هزینه‌های نظامی و اداری در عظیم تر کردن آن نیز میکوشد. هزینه‌های جاری سال ۶۰ مبلغ ۲۵۵ میلیارد تومان برآورد شده که ۳۱ درصد از عملکرد هزینه‌های جاری سال ۵۹ بالاتر است. لازم است این نکته را متذکر شویم که این افزایش هزینه‌های جاری در حالی پیش بینی شده که دستمزد کارگران و حقوق کارمندان در سال جاری ثابت فرض شده و اگر دقیق‌تر بگوئیم دستمزدها و حقوق‌های واقعی با توجه به نرخ رشدیابنده تورم بشدت کاهش یافته است. پس این افزایش هزینه‌های جاری از کجاست ناشی میشود؟

دولت برای حفظ و بازسازی نظام احتیاج به یک دستگاه بوروکراسی - نظامی سرفرمان دارد. پس از قیام بهمن ماه، کارمندان و نظامیان رده‌های پایین همگام با توده‌های مردم با تشکیل شوراها در جهت اغاز کردن سیستم گذشته و از کار انداختن دستگاه بوروکراسی و نظامی که در خدمت سرمایه‌داران و امپریالیست‌ها قرار داشت، به پیش رفتند. اما در این جا نیز حکومت با یورش به شوراها و سرکوب آنها غول بوروکراسی را تحت مراقبت خود درآورد. رژیم موزورانه تحت عنوان "مبارزه با غول بوروکراسی" به تمفیه عناصرتی مترقی پرداخت و با جایگزین کردن عناصر "مکتبی" بجای تصفیه‌شدگان به بازسازی دستگاه بوروکراسی تیک مطیع همت گماشت. بنا بر این از این نقطه نظر هزینه‌های جاری که حکومت وعده داده است برآورد شده بود، همچنان بهمان میزان - قبلی باقی ماند. اما حکومت به این مقدار نیز بسنده نکرد و با ایجاد نهادهای بوروکراسی و سرکوبگر جدید، همچون سپاه پاسداران، کمیته‌ها و انوع مختلف بنیادها، در کنار رویموارات دستگاه‌های سابق که همین وظایف را عهده‌دار داشتند، هزینه‌های جاری را بشدت افزایش داد. در عین حال، افزایش هزینه‌های جاری امسال با سال ۵۹ ابتدا "قابل مقایسه" نیست. رژیم برای استقرار "قانون" در سال ۶۰ یعنی برای تثبیت حاکمیت ضد خلقی خود، بیش از پیش نیاز به ایجاد جواختن و سرکوب آزادبهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها دارد. رژیم

ایران را بیشتر به اقتصاد تک محصولی یعنی فروش نفت سوق داده و چگونه از درآمد‌های حاصل از نفت جیب سرمایه - داران و بویژه تجار را پر میکند. و باز دیدیم که سیستم درآمد‌های مالیاتی را - چگونه به زیان کارگران و کارمندان جزء و بنفع سرمایه‌داران بکار گرفته است. درآمد ناچاهم استدلال این بود که "ناچاریم" این ارثیه ننگین رژیم شاهنشاهی است" در قسمت هزینه‌ها، اعم از عمرانی و جاری سیاست حکومت باز "بناچار" همان است، یعنی ننگین از "ارثیه ننگین شاهنشاهی". بیش از ۹۰ درصد از کل بودجه عمرانی سال جاری، به ادا و تکمیل پروژه‌های ملی اختصاص یافته که در برنا مه پنجم رژیم سابق پیش بینی شده بود. رجا شی و دیگر سران رژیم پنهان نمیکنند که "برنامه‌های ما ادا می‌ماند" برنا مه‌های پنجم رژیم گذشته است و در حقیقت ما مجری برنا منه پنجم رژیم گذشته هستیم" (میزان ۱۰/۳-۶۰). جالب اینجاست که سران حکومتی خود اذعان می‌کنند که برنا مه ریزان رژیم گذشته "تنها فجزایان دستورات و برنا مه‌های تعیین شده توسط کارشناسان آمریکا - تی بوده اند" (جمهوری اسلامی ۲۶/۶۰) و حال رژیم جمهوری اسلامی تحت لوای "مرگ بر آمریکا" دستورات و برنا مه‌های تعیین شده توسط کارشناسان آمریکا شی را به پیش می برد و به مرمت "ارثیه ننگین" گذشته می پردازد. منحصک غریبی است مبارزات "فدا امپریالیستی" حکومت! هیات حاکمه هر قدر که به امپریالیستها نزدیکتر میشود، بیشتر به آنها فحش میدهد از اینرود رسال ۶۰ باید در انتظار رشاعرهایی کوبنده تر (! فدا امپریالیستی از طرف حکومت بود!

بهر حال، حکومت "بناچار" مجری برنا مه‌های رژیم گذشته و از آنجمله به اما برنا مه پنجم می‌باشد. یعنی باز - سازی نظامی که توده‌ها با قیام خود به آن ضربه زدند و قصد نابودی آنرا دارند. ادا مه برنا مه‌های رژیم گذشته یعنی ترمیم موقعیت ایران در تقسیم کسار جهانی امپریالیستی که با فروش نفت، ایجاد شرایط مساعد جهت صدور سرما یه‌های مولد (مونتاز) و گسترش با زار برای کالا - های امپریالیستی مشخص میشود. قبلا دیدیم که رژیم چگونه در جهت فروش اضافی نفت و ورود کالاهای امپریالیستی تحت عنوان ترمین درآمد (البته بناچار) چنان رنعل به پیش می‌رود. و در اینجا نیز حکومت با تمفیه قرار دادها شرکت‌های امپریالیستی نظیر موزدا، تالپوت، جنرال موتورز، شرکت‌های پتروشیمی ژاپنی و غیره، در جهت پذیرائی از سرمایه‌های - اجنبی و ایجاد شرایط مساعد برای آنها با نرخ سود فوق العاده تحت عنوان "دروغین" اجرای طرح‌های اشتغال زا به پیش می‌رود.

بقیه از صفحه ۱
بر اساس لایحه بودجه سال ۶۰، کل هزینه‌های دولت بالغ بر ۳۴۰ میلیارد تومان برآورد شده است که عمدتاً به دو بخش هزینه‌های جاری (مانند پرداخت حقوق، اجاره و کلا" هزینه‌های نظامی و اداری) و هزینه‌های عمرانی (مانند ساختن راه، بندر، کارخانها...) اختصاص می‌یابد. در بودجه ۶۰ مبلغ ۱۱۰ میلیارد تومان به هزینه‌های عمرانی ۲۵۵ - میلیارد تومان به هزینه‌های جاری - اختصاص داده شده است. البته باید متذکر شد که این نوع تقسیم بندی صورتی است که میتوان بسیاری از اقلام را که جزء هزینه‌های جاری است به هزینه‌های عمرانی منتقل کرد و به این ترتیب بودجه عمرانی را بیش از آنچه که هست نشان داد. رژیم شاه برای عوامفریبی و نشان دادن این موضوع که سخت مشغول عمران و آبادی کشور است، با متورم کردن صوری بخش هزینه‌های عمرانی و نتیجتاً کاهش صوری هزینه‌های جاری، این شیوه بودجه نویسی را دنبال میکرد. این امر را میتوان در مورد بودجه ۶۰ نیز پی گیری کرد و نشان داد که هزینه‌های عمرانی بیشتر از آنچه هست برآورد شده است، لیکن بودجه ۶۰ - هر کلیت خود چنان افتتاح آمیز است که میتوان با راحتی از این نوع تقلب که کاری های بودجه نویسی گذشت و بررسی هزینه را بهمان ترتیبی که در لایحه بودجه پیش بینی شده، دنبال کرد. در حقیقت فضا تحت بودجه ۶۰ در تشدید وابستگی و فلاکت زحمتکشان چنان ظاهر من الشمس است که دولت مردان جمهوری اسلامی ناچار به اعتراف آن می‌باشند. لیکن اعتراف هیئت حاکمه نه به راه صداقت در بیان کمبودها بمنظور مرتفع نمودن آنها و بیان واقعیات به توده‌ها صورت نمیگیرد، بلکه اعتراف آنها اعترافی موزورانه برای فریب توده‌ها، ساکت کردن آنها و پنهان داشتن سیاست - های ضد خلقی خود می باشد که در تداوم سیاستهای رژیم شاهنشاهی قرار دارد. هیات حاکمه در توجیه بودجه ۶۰ و هزینه‌های آن میگوید: "این ارثیه است که از رژیم شاهنشاهی بمانده است"، "ما ناچار به قبول اکثر این هزینه‌ها هستیم"، "ما راه دیگری نداریم". در همین زمینه رجا شی میگوید: "قرم این بودجه طاغوتی است یعنی اگر انقلاب نشده بود همین بودجه میرفت... اما الان اجباراً ریخته شده" (کیهان ۲۰/۶۰). و بالاخره چی؟ آنها استدلال میکنند که "یکشنبه نمیتوان اوضاع را تغییر داد" و برای تدوین بودجه ای - "اسلامی" ابتدا باید شرایط لازم فراهم شود. رژیم با این بهانه کبیک شبه نمیتوان اوضاع را تغییر داد، به بازسازی نظام سرمایه‌داری (البته بشیوه ای "مکتبی") - منبپردازد. در قسمت درآمد‌ها دیدیم که چگونه رژیم سال به سال اقتصاد دور شکسته

بودجه ۶۰: گامهای بلند برای امپریالیسم

بقیه از صفحه ۷

برای نزدیکی بیشتر با امپریالیستها، برای عقد قرارداد با شرکتها و امپریالیستی برای ایجاد شرایطی جهت چپاول خلق به دست استثمارگران چاره‌ای جز سرکوب توده‌ها در پیش روی ندارد. یک قسمت از افزایش هزینه‌های دولت را با بیدردارین رابطه جستجو کرد.

در سال ۶۰ هزینه‌های ارگانهای - مستقیم سرکوب افزایش نشان میدهد. این افزایش در هزینه‌های مربوط به ارتش، سپاه، هزینه‌های مربوط به حفظ نظم و امنیت و تقویت پلیس قضائی کاملاً - مشهود است. مثلاً در قسمت هزینه‌های آموزشی در بودجه ۶۰ چنین آمده است که به دلیل استخدام پلیس قضائی و کارآموزان قضائی و نهایتاً "به جهت تقویت قوه قضائیه و برقراری امنیت قضائی در کشور بودجه قوه قضائیه ۴۰٪ افزایش یافته است". از ابتدای سال جاری با نمونه‌های بسیاری از استقرار "قانون" و "برقراری امنیت قضائی در کشور" مواجه بوده‌ایم. از این قبیل است کشتار روحشیا - کارگران شهرک البرز و اعدای سبانه اخیر رژیم.

حکومت بمنظور سرکوب عریان توده‌ها جنگ ارتجاعی ایران و عراق را بهانه قرار داده و هزینه‌های بازسازی ارتش و تقویت دیگر ارگانهای سرکوب را از - قوت لایموت توده‌ها تا مین می‌کشد. بیهوده نیست که هیات حاکمه میگوید: جنگ نعمت است. آری جنگ برای امپریالیستها و متحدان داخلی آنها نعمت و بسرا - زحمتکشان نکبت است.

اگرچه در سال جاری رژیم عمدتاً "بسه سیاست سرکوب متوسل شده است، لیکن در کناران سیاستهای عوامفریبانه‌ای را نیز برای منحرف کردن ذهن توده‌ها از ماهیت ارتجاعی خود و به انحراف کشاندن و احتمالاً تطمیع اقشاری از مردم را پیشه کرده است. به بیان دیگر، حکومت برای بازسازی نظام سرمایه‌داری و ابسته اصلاحاتی جزئی و دادن امتیازاتی از - آن جزئی تر را وعده کرده که این خودبسه افزایش نسبی هزینه‌ها منجر شده است. برای مثال، حکومت با تبلیغات گسترده وعده کرده است که به روستائیان که بالاتر از ۶۰ سال دارند، ماهی ۳۰۰ تومان بصورت کمک پرداخت میکند. حکومت به این وسیله میخواهد خود را طرفدار - دهقانان و نمود کند و آنها را به پشتیبانی خود فراخواند. در حالیکه همین حکومت با حمایت قاطع از زمینداران ب - سرکوب مبارزات دهقانانی پرداخته، و شوراها دهقانی را سرکوب میکند، و صادره اراضی زمینداران بزرگ را که بوسیله دهقانان انجام میشود، "غصب" نامیده و با تمام توان در مقابل آنها

دستگیری‌های وسیع در سنقر کلیائی

پس از شنیده خونین سیام خرداد دو تظاهرات خشم آمیز آن در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر میهنمان، ما موران رژیم در سنقر کلیائی نیز دست به شیوه‌های پلیسی ارساب و تعقیب و دستگیری زدند و در فاصله چند روز، چهل و هشت نفر از نیروهای مبارز سنقر را دستگیر کردند. در میان دستگیر شدگان شش هوادار اکثریت نیرو وجود داشته اند که بعد از چند ساعت آزاد شده‌اند. بیشتر دستگیر شده‌گان را به زندانهای بندر عباس و تبریز - انتقال داده‌اند.



حزب و درک واقعیات، موقعیت حزب را بیش از پیش متزلزل ساخته است. بدین خاطر حزب برای اعمال سرکوب متمرکز مبارزات توده‌ها و سلب هرگونه آزادی به قدرتی متمرکز و دستگاههای دولتی نیاز دارد. تدوین تبصره‌های بودجه ۶۰ در حقیقت گامی است برای کسب قدرت مطلق. تبصره‌های بودجه چنان تنظیم شده که اختیارات تامی به مجریان حکومتی واگذار میکنند تا بهر صورت که بخواهند بدون هیچگونه حساب و کتابی خرج کنند. بر اساس این تبصره‌ها به وزراء و استان - داران اختیار ۲۵ درصد جابجائی اقلام و ۲۵ الی ۴۵ درصد مجازات خرج بدون پیروی از قانون محاسبات عمومی داده شده است. بدین ترتیب علاوه بر بودجه‌های سری که در اختیار مجریان حکومتی می‌باشد به میزان ۴۰ تا ۴۵ درصد زکل هزینه‌ها نیز در اختیار آنها قرار گرفته است. سرپرست سازمان برنامہ و بودجه در توجیه این سیاست میگوید: چون پولها توسط افراد مؤمن و امین انقلاب به مصرف میرسند مسئولیت شرعی بجای مقررات قرار - می‌گیرد" (کیهان ۱۶/۲/۶۰). البته نمونه روشنی از این شیوه عرضه را در بنیاد - مستضعفان تجربه کرده‌ایم و عملکردهای مفتضحانه آن راهمه بیاد داریم.

بهر حال این سیاست حزب چندان هم بی دلیل نیست. با ید دست زعمای قوم را در پیشبرد سیاستهای حزب در زمینه زمینها از جمله سرکوب توده‌ها که هزینه بر میدارد، با گذشت، مخارج سازماندهی باندهای سپاه حزب الهی چیزی نیست که بشود آن را بطور صریح در بودجه منعکس نمود و تحت قانون محاسبات عمومی در آورد!

می‌ایستد و حتی از اجرای اصلاحات ارضی نیم بند خود، یعنی اجرای بند "ج" و "د" از قانون واگذاری زمین نیز شانه خالی میکند. این نمونه اصلاحات و کمک - مستضعفین را به این دلیل بیان کردیم که هیات حاکمه حول پرداخت ۳۰۰ تومان در ماه به کشا و رزان بالاتر از ۶۰ سال بسیار رسو و دارا انداخت، و آنرا بعنوان دستاوردی بزرگ و انسانی تبلیغ کرد. حال ببینید بقیه اصلاحات و امتیازات رژیم که در بودجه ۶۰ وعده آنها داده شده است چقدر عوامفریبانه و کاذب می‌باشد.

آنچه که در مورد میزان هزینه‌ها - عنوان شد، بر اساس داده‌های بودجه ۶۰ می‌باشد. اما همانطور که در قسمت درآمدها دیدیم که رقم بودجه با واقعیات - اقتصاد مطابقت ندارد و درآمد مدهای - وصولی بسیار کمتر از درآمد مدهای پیش - بینی شده خواهد بود. در قسمت هزینه‌ها نیز رقم ارائه شده با آنچه واقعاً - انجام خواهد پذیرفت منطبق نیست. در مورد هزینه‌های عمرانی، مهندس سبحانی میگوید که بیش از ۶۰ درصد بودجه عمرانی قابل هزینه شدن نیست. یعنی با توجه به بحران موجود اقتصاد، ظرفیت جذب این مقدار هزینه‌های عمرانی موجود نمی‌باشد. برعکس، در مورد هزینه‌های - نظامی و بیوروکراسی بنا بر دلایلی که - فوقاً مطرح شد، با ارقام بالاتر از آنچه که در بودجه پیش بینی شده، روبرو خواهیم بود. عملکرد هزینه‌های دولت در ماه - اول سال جاری در این مسیر قرار دارد. هزینه‌های جاری فروردین ماه نسبت به ماه مشابه سال قبل ۸۵/۷ درصد افزایش نشان میدهد و در مورد اردیبهشت ماه ۴۹ درصد.

به این ترتیب در عملکرد بودجه ۶۰ شاهد شکافی گسترش یافته بین درآمد مدها و هزینه‌ها خواهیم بود، یعنی در حالیکه درآمدها به میزان کمتر وصول میشود، - هزینه‌ها از حد آنچه که پیش بینی شده فزونی خواهد گرفت، که این امر نشانه کسری عظیم بودجه در سال ۶۰ خواهد بود.

تبصره‌های بودجه یا اجازه نامه رسمی قدر قدرتی حزب جمهوری اسلامی

خلاصه کلام آنکه بودجه ۶۰ بازتابی است از سیاستهای حزب حاکم در سال ۶۰. حزب در جهت بازسازی نظام سرمایه‌داری از یکطرف هر چه بیشتر به امپریالیستها نزدیک میشود و از طرف دیگر به تشدید سرکوب و ایجاد دخفان می‌پردازد. با این وجود حزب در تنگنا قرار دارد. شکسته شدن توهم توده‌ها نسبت به شعارهای تو خالی

رهبری طبقه کارگران من پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

خمینی چه گفت، خمینی چه کرد؟

آیت الله خمینی از همان ابتدا که بر اثر شرایط عینی و ذهنی حاکم برجانبش خلق توانست بر موج ناراضی بیتی فزاینده داد، توده های خلق تحت فشار اقتصادی گرسنگی، فقر و فلاکت، بی خانمانی و در - مقابله با سرکوب، اختناق، کشتار روسا نسور بیباخواستند و خمینی نیز در غیاب رهبری طبقه کارگر به آن دلیل توانست برجانبش توده ها سوار گردد و در رأس آن باقی بماند که در مقابل خواستهای مادی توده ها وعده و وعیدهای مناسب را بکار گرفت .

با بررسی مسیر جنبش خلق و سخنان و مواضع های خمینی بخوبی روشن میگردد که مردم نه بخاطر معنویات و اسلام و نه بخاطر نشان دادن روحانیت بر تخت قدرت، بلکه بدنیا ل خواستهای مشخص مادی قیام کردند. آیت الله خمینی قبل از قیام (و مدت ها پس از آن نیز) از جمهوری اسلامی آنچنان بهشت موعودی در ذهن توده ها رسم کرده که در آن به تمامی خواستهای مادی آنان پاسخ داده خواهد شد، بهشتی که در آن "گو خ نشینان" "گاخ نشین" وینا حداقل آپارتمان نشین خواهند شد. "منتصفین" به خواستهایشان خواهند رسید از فقر، گرسنگی، بیکاری، از سرکوب و اختناق و سانسور خبری نخواهد بود و... از اینرو بود که آیت الله خمینی توانست با استفاده توهمات مذهبی توده ها پایه های رهبری خود را مستحکم گرداند .

اما جمهوری اسلامی در عمل و در دنیای واقعیات چیزی به جز سرکوب و کشتار، گرسنگی و فقر، آوارگی و بی خانمانی، بیکاری و سرگردانی برای خلق به بار نیاورد، هر چند که خمینی و سایر رهبران با زهم کوشیدند با ارائه وعده و وعیدهای خود توهم توده ها را حفظ کنند اما واقعیات روز بروز بیشتر توهمات توده ها را میزداید، واقعیات بیش از پیش خمینی را وادار میکند که به شکل مستقیم و علنی رودر روی توده ها قرار گیرد .

بررسی شیوه های برخورد آیت الله خمینی در قبال و بعد از قیام خلق بیسه خواستهای توده ها، آرایش از پیش به روشن شدن ماهیت رژیم جمهوری اسلامی کمک خواهد کرد، با بد در نظر داشت که آیت الله خمینی در قبال از قیام تنها بیباک و سانسور توصیف کننده جمهوری بود که در مقابل رژیم سلطنتی به توده ها قبولانده شد و پس از قیام نیز بعنوان بیان کننده خط - محوری حرکت های رژیم قابل بررسی ویر - خورد است .
ما در یک سلسله مقالات خواهیم کوشید با مقایسه وعده ها و عملکردهای خمینی

با یکدیگر بیش از پیش به افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی کمک رسانیم .

آیت الله خمینی، وعده آزادی، حکومت اختناق

یکی از خواستهای مشخصی که توده ها در جهت برآورده شدن آن به جنبش روی آوردند آزادی بود، توده ها بیباخواستند تا اختناق و خفقان حاکم در رژیم شاه را براندازند، بیباخواستند تا سانسور مطبوعات و رادیو تلویزیون و سانسور کتب و نشریات را براندازند، بیباخواستند تا ساواک و سایر ارگانهای سرکوبگر رژیم را نابود کنند و با تکاء به نیروی خلق آزادی سیاسی را برقرار سازند، همه دیکتاتورانی که در ایران سینه سپار شدند، همه بیبا داری که چگونه کارگران حق کوچکترین خواسته و اعتراض با شدیدترین وجه سرکوب می شد، چگونه ساواک سلطه خود را بر همه جا گسترده بود، چگونه اعتراضی به زندان و شکنجه منجر میگشت، انشاء نوشتن محکومیت داشت و کتاب داشتن اعدا، چگونه تمامی روزنامه ها تحت سانسور سانسور سانسور بود، چگونه رادیو تلویزیون در مدح شاه جلا بده دروغ پرداز و تحریف میپرداخت، چگونه دانشجویان مبارز به خون کشیده میشدند، انقلابیون در سبزه ها شکنجه میشدند و خلق بر اثر اعتراض کشتار میشد، توده ها برضای آن اختناق و دیکتاتورانی که بیباخواستند و یکی از مهمترین خواستهایشان نیز آزادی بود .

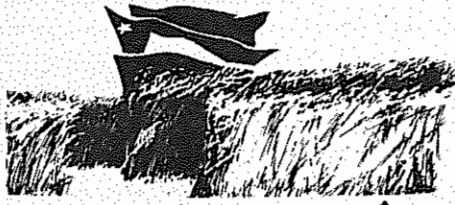
آیت الله خمینی بخوبی به این خواست توده ها واقف بود، خمینی بخوبی میدانست توده های که سالها در زیر اختناق و سانسور سانسور سانسور بودند، بیباخواستند تا سانسور مطبوعات و... هستند، از اینرو او میگوید: "علت تظاهرات کارهایی است که شاه در این مدت کرده است مردم از اختناق و کشتارها ناراضی و تظاهرات را برآوردند" (مما حبه با رادیو تلویزیون هلند ۱۴ آبان ۵۷) و هم چنین آیت الله خمینی مردم ایران در دوره شاه را "انسانی که امروز در نظام پلیسی از فعالیتهای فکری و آزادی در کار محروم شده است" مینامد (مما حبه با مجله آلمانی اسپیکل ۱۶ آبان ۵۷) و میگوید "مطبوعات و کلیه وسایلی که باید به وسیله آن تبلیغ شود در این سال در اختیار

شاه بوده است، تمام اشکال آزادی از ملت ما سلب شده است" (مما حبه با تلویزیون فرانسه کانال یک ۵/۸ آبان ماه ۵۷) آیت الله خمینی نه تنها در تمام این سخنان خود بطور ضمنی وعده یک حکومت آزاد و دمکراتیک، حکومتی که در آن از اختناق و کشتار خلق خبری نیست، حکومتی که در آن فعالیتهای فکری آزاد است و حکومتی که در آن تمام مطبوعات و کلیه وسایلی که باید به وسیله آن تبلیغ شود "در دست یک شاه" متمرکز نیست را میدهد، بلکه با آگاهی کامل بیسه خواستها و تمایلات دمکراتیک توده ها جمهوری اسلامی را به شکل دمکراتیک ترین و آزادترین رژیمها تصویر میکنند تا بدین طریق توده های متوهم را بدنیا ل خود بکشاند، او میگوید "با قیام انقلابی ملت، شاه خواهد رفت و حکومت دمکراسی و جمهوری اسلامی برقرار می شود" (مما حبه با تلویزیون آمریکا تی سی - بی - اس ۱۵ آبان ۵۷) و تاکید میکنند در جمهوری اسلامی "انسانی که امروزه در نظام پلیسی از فعالیتهای فکری و آزادی در کار محروم شده است، تمامی اسباب ترقی واقعی و ابتکار را بدست خواهد آورد" (مما حبه با مجله آلمانی اسپیکل ۱۶ آبان ۵۷) .

خمینی حتی با رافرا ترمیگذا رد و در جهت فریب، در جهت جلب تمامی افشای که خواستار آزادیها و حقوق دمکراتیکند و وعده هرگونه آزادی را میدهد، او در جواب این سؤال که "آیا در حکومت اسلامی ما رکنیستند برای آزادی عقیده و بیان عقیده" و همچنین "آزادی انتخاب شغل" هستند میگوید "در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده ای هستند" "در اسلام آزادی انتخاب شغل بر هر فردی بر حسب ضوابط قانونی محفوظ است" (مما حبه با نما بنده سازمان عقوبین العالی ۱۹ آبان ۵۷) خمینی به اقلیت های مذهبی نیز وعده همه نوع آزادی را میدهند و میگوید "دولت اسلامی یک دولت دمکراتیک به معنای واقعی است و برای همه اقلیت های مذهبی آزادی بطور کامل هست . و هر کس میتواند اظهار عقیده خویش را بکند و اسلام جواب همه عقاید را بر عهده دارد" (مما حبه با خبرنگار ایتالیایی ۱۱ آبان ۵۷) خمینی میگوید "دولت اسلامی تمام منطقتها را با منطبق جواب میدهد" (هما نجا) آیت الله خمینی حتی آزادی مطبوعات را تضمین میکنند و میگویند "مطبوعات در نشر همه حقایق و واقعیات آزادند، هرگونه اجتماعات و احزاب از طرف مردم در صورتی که مصالح مردم را به خطر

بقیه در صفحه ۱۲

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست



دهقانان زحمتکش ترکمن صحرا قاپطعانه ازگشت و برداشت شورائی دفاع میکنند

دهقانان ترکمن:

ما همه با هم هستیم و محصول
را شورائی برداشت می کنیم.

همزمان با فرارسیدن فصل برداشت محصول، ترکمن صحرا هر روز شاهد هجوم مسلحانه ی عوامل رژیم به روستاها و مقاومت و ایستادگی یکپارچه دهقانان زحمتکش این منطقه است. دهقانان با اتحاد خود، زشورا و گشت و برداشت شورائی دفاع می کنند و به مزدوران رژیم زمینداران بزرگ اجازه نمی دهند محصول یکسال زحمت آنها را تاراج کنند. رژیم جمهوری اسلامی تا کنون تلاش بسیار کرده است که دهقانان ترکمن صحرا را به انفعال بکشاند. رژیم کوشید با سرکوب ستاد مرکزی شورائی دهقانان و ترور رهبران خلق ترکمن، مبارزات انقلابی دهقانان ستمدیده و محروم ترکمن صحرا را با فریب و سرکوب متوقف و متلاشی کند. اما دهقانان ترکمن صحرا که قبلاً از قیام بهمن ماه ۵۷ و پیش از سایر توده های دهقانان ایران، به حرکت درآمده به مصاف دره انقلابی زمینهای و فتوای آنها، و تشکیل شورا های واقعی خویش دست زده و تا کنون تجربه های خونباری را از سر گذرانده اند، همراه عناصر انقلابی و مبارزان زده و دستاوردهای خویش در برابر بورش های ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی به انحاء گوناگون دفاع می کنند. عوامل رژیم در آغاز این فصل به زور ژاندارمک های خائنه و ضد شورائی، شورا های فرمایشی که در پی سرکوبی شورا های واقعی در آنجا زغال ۵۹ ساخته شدند، به روستاها رفته از دهقانان می خواهند که اولاً "محصول را به طور شورائی برداشت نکنند، ثانیاً" محصول به سیلوهای دولت ریخته شود، علاوه بر آن دهقانان باید ۲۰٪ هم سهم صندوق دولت محصول بدهند تا در مقابل ۲۰۰ کیلوگرم گندم، ۲۰۰ کیلوگرم جو به دهقانان داده شود.

چند نمونه از مقاومت دهقانان -
زحمتکش ترکمن صحرا را در زیر می آوریم:

روستای یارتی قایه

این روستا در ۵ کیلومتری گنبد قرار دارد، جمعیت آن ۷۰۰ نفر، ۸۵ خانوار است. دهقانان این روستا در اوایل قیام، زمینهای و فتوای آنها را مصادره کرده و گشت و برداشت شورائی آنها را مصادره کرده و سرکوب های مکرر نتوانست دهقانان را از کار و حرکت خود با زدا ردا و آنها را همچنان به گشت شورائی زمین ادا مدها دند و امسال هنگامی که قصد داشتند محصول جو و گندم - چهار صد هکتار زمین خود را برداشت کنند شورا های فرمایشی از دهقانان می خواهند که: ۱- محصول به سیلوی دولت ریخته شود؛ ۲- ۲۰ درصد به صندوق دولت واگذار شود، ۳- به هر سهم از زمین ۲۰۰ کیلوگرم گندم، ۲۰۰ کیلوگرم جو داده شود.

گردانندگان شورائی فرمایشی یار تسی قایه که با مقاومت دهقانان روبرو شدند از پاسداران سرمایه کمک طلبیدند و آنها را به روستا آوردند. اما تهدیدها، و اعابهای پاسداران و شورائی فرمایشی و سایر عناصر ضد دهقانان، کار ساز نمی شود و دهقانان به کار خود ادامه می دهند. آنها در جواب با از جیف و سخنان پراکنده های صادق زاده مسئول هیئت گشت زمین می گویند: "ما خودمان زمینها را مصادره کردیم، خودمان گشت شورائی کردیم، حال هم خودمان برداشت شورائی می کنیم." عوامل رژیم حریصانه اعمال ضد دهقان خود را به پیش می برند تا به هر ترتیبی، دهقانان را به تسلیم و ادانند، اما همواره با مقاومت متحدانه و سراسر سخنان دهقانان مواجه شده و هدفها و نقشه های یلیدشان نقش بر آب می شود و سرانجام دهقانان پس از یک روز - مقاومت و ایستادگی در مقابل زورگویی عوامل رژیم و مداخلان زمینداران بزرگ محصول را عادلانه بین خود تقسیم می کنند.

روستای بی بی شیروان

در این روستا که در ۴۵ کیلومتری گنبد واقع شده و دوهزار نفر جمعیت دارد دهقانان با تشکیل شورا ی خود ۷۰۰ هکتار زمین را مصادره کردند و به گشت و برداشت شورائی پرداختند، بعداً سرکوب شوراها در سال ۵۹، روستائیان زحمتکش بی بی شیروان، زیر بار شورا های تحمیلی و

فرمایشی گرفته و کمکان شورائی واقعی خود را حفظ کردند. دهقانان در سال ۵۹، حدود ۳۰۰۰ هکتار زمین را به صورت شورائی زیر گشت پنبه و گندم جو بردند و محصول آنرا به طور عادلانه بین خود تقسیم کردند. امسال نیز گشت شورائی را ادا مدها دند اما حلاله فصل برداشت محصول شده است دولت به آنها فشار می آورد که نباید محصول را بدون اجازه دولت برداشت کنند و هم چنان که در خیر مروط به روستا های یار تسی قایه آمد، دولت دهقانان را مصادف کرده که محصول را به سیلوی ریخته، ۲۰٪ به صندوق دولت بدهند. مقابل برای هر سهم ۲۰۰ کیلوگرم گندم و ۲۰۰ کیلوگرم جو گیرند اما دهقانان زحمتکش بی اعتنا، با خطرات و ایستادگی دولت برداشت شورائی را در اوایل خرداد شروع کردند. جاشها یسپاه و هیئت گشت زمین بلافاصله به ارکانها ی مجلسی خبر سازانند و در پی آن پاسداران مسلح به روستا ریخته و کار را متوقف کرده و اعضا شورائی واقعی را نیز دستگیر کردند. دهقانان از بی یختشته، متحد و مقاوم به حرکت خود ادامه دادند و ضمن آزادی - نمایندگان خود، برداشت شورائی را نیز به پایان رساندند.

روستای مجید حاجی

در این روستا صادق زاده مسئول هیئت گشت زمین به حیل و دیگری متوسل شد، او با سخنرانیهای نفی افکنانه قصد داشت، بین دهقانان زحمتکش سیستان و ترکمن کینه و دشمنی بیندازد تا به زعم خود از برداشت شورائی جلوگیری کند. اما جنگلی دهقانان این روستا، اعم از سیستان و ترکمن یکصداه صد زاده اعلام می کنند، "ما با هم هستیم و به طور شورائی محصول را برداشت می کنیم."

چپاول محصول در چند روستا

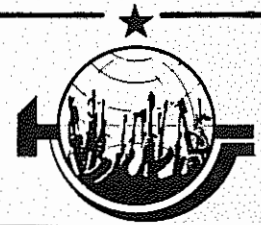
در روستاهای بدرآق ملا، و شیخ موسی نیز شورا های فرمایشی تلاش کردند تا از برداشت شورائی دهقانان جلوگیری کنند، این شوراها که مزدور و مجری بر نامه ها و اعمال ضد دهقانان و ضد انقلابی حاکمیت هستند، روستاهای مذکور ضمن دستگیری عناصر مبارزان و آگاه روستا مقاومت های چند روزه دهقانان را به زور مسلح به شکست کشانده و حاصل دسترنج آنها را طبق همان سیاست های اعلام شده چپاول و غارت کردند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



جنبش جهانی

کارگری - رها نشینش



آلمان حمله پلیس فاشیستی

آلمان به زاغه نشینان

دوماه پیش خبر حرکت انقلابی زاغه نشینان برلین در تسخیر خانه های خالی سرمایه داران و سکونت در آنها را در کار درج کردیم. این حرکت انقلابی وحشت مرگباری را برای سرمایه داران در پی داشت دولت امپریالیستی و پلیس سرکوبگر آلمان برای جلوگیری زگسترش این حرکت

انقلابی به سرکوب فاشیستی زحمتکشان زاغه نشینان جوانان مدافع آنها دست زد. هفته گذشته نیز مانند ماه پیش نیروهای پلیس جهت بیرون راندن زاغه نشینان از خانه ها سرمایه داران به آنها یورش برد. این حمله وحشیانه با مقاومت دلیرانه زاغه نشینان روبرو شد و طی درگیریها مذکور ۱۴ پلیس زخمی و ۱۲۲ تن از آنها دستگیر شدند. جوانان مبارز برلین برای اعتراض به دستگیریها و سرکوب زاغه نشینان دست به ایجا درآه بندان و سنگریهای خیابانی زدند و به مقاومت با پلیس سرکوبگر پرداختند.

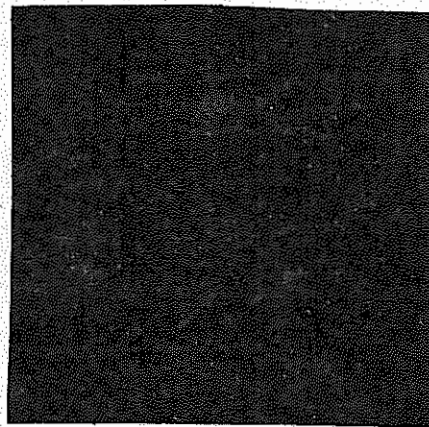
عراق توسط مبارزان کرد عراقی

۵ آلمانی به گروگان گرفته شدند

اتحادیه میهنی کردستان که رهبری مبارزان ترقیخواهان کردستان عراق را برعهده دارد طی اطلاعیه ای در هفته گذشته خبر داد که واحدهای رزمندگان یمن سازمان ۵ مهندس و تکنسین آلمانی و وابسته به شرکتها امپریالیستی را در منطقه کرکوک واقع در شمال عراق به گروگان گرفته اند. اتحادیه میهنی اعلام داشت که حاضر است شرایط ملاقات خانواده گروگانها را با آنها در مناطق آزاد شده کردستان عراق فراهم آورد. این سازمان همچنین شرایطی را برای آزادی گروگانها اعلام داشته است که در ۶ مورد خلاصه میشود:

- ۱ - دولت آلمان باید از اقدامات و اعمالی که تاکنون در جهت پشتیبانی از تروریسم دولتی رژیم عراق انجام داده از جمله عدم مجازات مزدوران بعثی را که به مراکز جمع ترقیخواهان کردستان در آلمان حمله کرده بودند، رسماً معذرت خواهی کند.
- ۲ - آلمان باید فروش جنگ افزار به داروستانه ها کمبرعراق را متوقف نماید.
- ۳ - آزادی ۲۷ رزمنده کرد که در زندانهای بعثی در انتظار آزادی به سر میبرند.
- ۴ - آزادی ۴ دانش آموز که علیه غمسنین پائین تراز ۱۳ سال مدتهاست در اسارت رژیم سر میبرند.
- ۵ - آزادی خانواده پیشمرگانی که با آنها مادران فرزندان انقلابی در اسارت به سر میبرند.
- ۶ - پرداخت خسارت ۵ میلیون مارک آلمانی از طرف شرکت های نحما ری به خانواده شهدای کردستان عراق و بسته به اتحادیه میهنی.

السالوادور یک تصویر از دهها و صدها نمونه جنایت و وحشیگری رژیم حامی سرمایه داران علیه خلق و فرزندان انقلابی آن



رشد و گسترش مبارزه انقلابی در السالوادور دهها نند میهن ما ایران برهه های ریا و تروریسم کودتا را کناره زده و چهره ددمنش او را نمایان ساخته است. او نیز آشکارا به شکنجه و اعدام کودکان و خوردن دست میزند و هیچ پروا شی از اعتراض به جنایت های خویش ندارد. شورای نظامی حاکم نیز همچون سرمداران رژیم جمهوری اسلامی مدعیند که کودکان و نوجوانان توسط افراد بزرگسال اغوا شده اند و به انجام عملیات انقلابی علیه رژیم دست میزنند. اما کیست که این دلایل ابلهانه را بپذیرد. جنبش دروندرو به با لندگی خویش خرد و کلان را در خود جای می دهد. مگر کودکان خردسال ۴ ساله و بیتنامی نبودند که آمریکا شیهای جنایتکارانه را زهر کدآنها با نذازه یک بمب با عتی و خشت داشتند. مگر در همین میهن انقلابی، ایمن غنچه های میم دو ما هیان سیا ه کوچولوی دریای خلق های ایران نبوده و نیستند که خواب زار بر مرغان ماهی خوار و پاسبانان تباهی حرام کرده اند.

ترکیه اعدام فاشیستی ۲ انقلابی

کمونیست در ترکیه و تقاضای اعدام برای رهبر اتحادیه انقلابی کارگران

طبق یک اعلامیه رسمی کودتاچیان اعتراف کردند که در هفته گذشته دو تن از انقلابیون کمونیست ترکیه را با اتهام قتل مستشاران آمریکا در دو سال پیش، اخیراً اعدام کرده اند. این اقدام - جنایتکارانه بی شائبه است به اعدامها نیست که این روزها توسط مزدوران سرمایه و پیدا دگاها جمهوری اسلامی در حلق انقلابیون کمونیست و دیگر مبارزین اعمال می شود. از جمله برای مقایسه می توان با اتهامات اعلام شده از سوی پیدا دگاها در مورد رفقا سعید سلطانی و محسن فاضل یاد کرد. سعید سلطانی و محسن فاضل با بقیه

(مبارزه با رژیم شاه) اعدام، محسن فاضل - پور با تمام قتل (بمب کداری در هتل شاه - عباس در زمان رژیم شاه) اعدام، آری، در حالیکه مبارزان کارگری و نیز مبارزان دموکراتیک و انقلابی در ترکیه هر روز سازمان یافته تر و وسیع تر می گردند و با دگاها میفرمایشی نیز تند تند تشکیل و در خدمت و حمایت از سرمایه داران احکام جنایتکارانه جدیدی صادر می کند، از جمله در هفته پیش توسط یکی از همین پیدا دگاها های نظامی - رفیق "عبدالله با سترک" یکی از رهبران کنگفدرا سیون سندیگاههای انقلابی کارگران ترکیه S.I.K. را به آنها متلاش برای او زگون کردن حکومت نظامی آن کودتاچی محاکمه کرده و برای وی تقاضای اعدام نموده است. آری، این است منطق سرمایه داران و رژیمها یوا بسته به آنها درهمه جا جهان آزاد است شما روغارت برای سرمایه داران زندان - تبعید - اعدام برای کارگران و

مواکش عقب نشینی

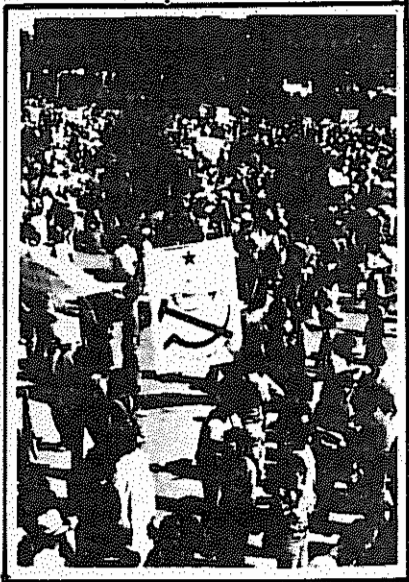
توطئه گرانه سلطان حسن

رژیم پادشاهی مراکش در هفته های گذشته بخاطر مواجیزگی اعتراضات

وتظاهرات صنفی - سیاسی کارگران و زحمتکشان شهری با بحران جدیدتری روبرو شد و این در زمانی است که تداوم مبارزان آزادیخواهان و استقلال طلبان صحرا به رهبری جبهه پولیساریونیز ضربات کوبنده تری بر پیکر او وارد می

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش سراسر جهان

گزارشی از تظاهرات ضد امپریالیستی اول ماه مه در واشنگتن



در سوم ماه مه تظاهرات با شکوهی با شرکت بیش از ده هزار نفر در واشنگتن برگزار شد. مسیر این تظاهرات از جلوی وزارت امور خارجه تا جلوی ساختمان پنتاگون بود. این تظاهرات در ۱۰ سال گذشته بی سابقه بوده است.

مهمترین شعار این تظاهرات، اعتراض به سیاستهای جنگ افروزان و تجاوزکارانه دولت آمریکا بود، خصوصاً "مسئله تجاوز و دخالت آمریکا در السالوادور محور شعارها و سخنرانیهای این روز بود.

در کنار شعار محوری مسائلی از قبیل تبعیضات نژادی، سیاستهای اقتصادی آمریکا بخصوص در رابطه با سیاهپوستان و توده های وسیع محروم جامعه، افزایش بودجه نظامی، عدم رعایت حقوق زنان و غیره در سخنرانیها و شعارها مطرح و مورد اعتراض قرار گرفت.

در این تظاهرات که از سوی قریب ۷۰۰ سازمان و چهره مترقی مورد تأیید قرار گرفت، سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا هوادار سازمان شرکت فعال نمودند. نمایندگان جنبشهای آزادیبخش السالوادور، فلسطین، پورتوریکو و جنبش سرخپوستان آمریکا سخنرانی داشتند و سیاستهای فداخلقی آمریکا را در سطح جهانی و داخلی شدیداً "محکوم کردند."

خمینی چه گفت، خمینی چه کرد؟

بقیه از صفحه ۹

بیا سخ میدهد. و کمونیستها نیز نه تنها در بیان عقاید خود آزاد نیستند بلکه بمحض شناسایی، دستگیر، شکنجه، ترور و حتی اعدام می شوند.

تمامی وعده های آیت الله خمینی پس از تحقق جمهوری اسلامی نقش بر آب میگردد و سراب جمهوری اسلامی پس از تحقق رنگ می یازد.

سخنان آیت الله خمینی درباره آزادی و دمکراسی پس از کسب قدرت تغییر میکند. آیت الله که تا بحال وعده میداد روزنامه ها و احزاب آزادند اینک میگوید "اگرما انقلابی بودیم اجازه نمیدادیم اینها اظهار وجود کنند. تمام احزاب را ممنوع اعلام میکردیم، تمام جبهه ها را ممنوع اعلام میکردیم. یک حزب و آنهم حزب الله، حزب مستضعفین و "اگرما از اول... بطور انقلابی عمل کرده بودیم قلم تمام مطبوعات (فاسد) را شکسته بودیم و تمام مجلات و مطبوعات فاسد را تعطیل کرده بودیم و رؤسای آنها را به محاکمه کشیده بودیم." (سخنرانی دردیدار با مردم قم ۲۷ مرداد ۵۸) آیت الله خمینی اینک که در قدرت است معتقد به سرکوب و خفه کردن تمامی مطبوعات است که مخالفان و رژیم جمهوری اسلامی کوچکترین گامی بر میدارند، اینک دیگر فقط یک حزب و آنهم حزب الله رسمیت و مشروعیت دارد یعنی حزب سرکوب و خفقان و ترور، یعنی حزب چماق.

خمینی که تا بحال معتقد به آزادی - شغل آزادی بیان عقیده بود (حتی برای کمونیستها!) اینک میگوید "شما باید با سایر آقایان که در آنجا (منظور را دیو تلویزیون است) هستند و متحد، با هم این افراد را که الان برای مملکت ما مضر هستند، این چپی ها، اینهایی که با این طرف و آن طرف رابطه دارند، اینها را باید تصفیه کنید بدون اینکه بترسید." (سخن - رانی دردیدار با مسئولان صدا و سیما ۱ خرداد ۵۹) و با لایحه نیز آیت الله خمینی که وعده میداد "میزان رای ملت است" کار را به جایی رسانیده که میگوید من در مقابل رای ۳۶ میلیون نفر نیز خواهم ایستاد.

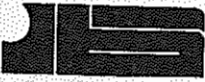
آیت الله خمینی نه تنها پیش از کسب قدرت بلکه تا مدت ها پس از قدرت گیری نیز فریادهای آزادیخواهان سر میداد. اما اینک بیش از پیش چهره خود را می نمایاند آیت الله خمینی در رأس حکومتی قرار دارد که هرگونه آزادی را مورد شدیدترین یوژها قرار داده و در جهت برقراری حاکمیت ترور و کشتار و اختناق به پیش می رود.

ببیند آزاد اند و اسلام در تمامی این شئون حدود مرز آنرا تعیین کرده است (همانجا) و حتی پارافرازمی نهد و میگوید "در جمهوری اسلامی کمونیستها نیز در بیان عقاید خود آزادند" (مما حبه با روزنامه هلندی دی ولت کرانت ۱۶ آبان ۵۷)

اما پس از برقراری جمهوری اسلامی تمامی این وعده ها به فراموشی سپرده میشود و رژیم تحت رهبری خمینی تا جایی که قدرت دارد در جهت برقراری سرکوب و اختناق، با تسور و کشتار به پیش میرود.

آیت الله خمینی و سران دیگر رژیم - قراموش میکنند که مردم "از اختناق و کشتار ناراضی بودند و قیام کردند. در طلیعه جمهوری اسلامی خلق کرد و ترکمن سپس خلق عرب و کارگران و زحمتکشان سراسر ایران در هر کجا که لب به اعتراض میگشایند کشتار میشوند، "مطبوعات و کلیه وسایلی که با یدیه وسیله آن تبلیغ شود" یا ردیگرمانند "۵۰ سال که در اختیار شاه بود" به سرعت به قبضه رژیم در میآیند. سایر نشریات تحت شدیدترین فشارها قرار گرفته ممنوع میشوند. با تسور سیاه برقرار میگردد. را دیو تلویزیون درست مانند دوره شاه به جعل اکاذیب و دورغ - پرداز می مشغول می شود، "فعالیت های فکری" یا ردیگر در شدیدترین محظور قرار میگیرد، هنرمندان، نویسندگان و شعرا را انقلابی تحت فشار، دستگیری، ضرب و شتم و... قرار می گیرند، کارنوئهای دمکراتیک بسته می شود، "آزادی در کار" بسرعت با یقال می شود، تصفیه های عقیدتی - اوج میگیرد. معلمین بسیاری به جرم چپی بودن اخراج می شوند. در کارخانه ها و ادارات تصفیه های عقیدتی ایجاد گسترده ای می یابد. اقلیت های مذهبی - علیرغم تمامی قولهای آیت الله خمینی تحت شدیدترین فشارها قرار میگیرند. نه تنها آزادی انتخاب شغل برای آنان - وجود ندارد، نه تنها در بسیاری از ادارات و وزارتخانه ها استخدام نمی شوند و مشروط بدست آوردن پستهای بالای مملکتی - مسلمان و شیعه بودن قرار میگیرد بلکه حقوق اولیه اجتماعی آنان نیز سلب می شود و بصورت شهروندان درجه دوم در میآیند. مطبوعات که خمینی "آزادی نشر همه حقایق و وقایع" را برای آن تضمین کرده بود به قبضه حزب جمهوری اسلامی در میآیند و با تسور ستا خیزی بر آنها حاکم میگردد. اجتماعات و احزاب مورد شدیدترین یورش و سرکوب قرار میگیرند و دولت اسلامی در عوض اینک "تمام منطق - ها" را با "منطق جواب" دهد آنرا با چماق و سرنیزه، کشتار و ترور، زندان و شکنجه

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
وپایگاه داخلیش



چون کوه استوار و چون بولاد مقاوم و سرسخت باشیم

بقیه از صفحه ۱

ها هستی است که کمونیستها در لحظات دشوار از خود نشان داده اند. سراسر تاریخچه مبارزات کمونیستها مشحون است از عالیترین مقاومتها، قهرمانیها و از خودگذشتگیها، درسها، هجالتها، بیدادگاهها، شکنجهگاهها و میدانهای نبرد. این درسی است که ما باید در شرایط و اوضاع کنونی، هنگامیکه رفقای قهرمان ما و انقلابیون راستینی که در زیر تیغ جلادان رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بشهادت میرسند و تا آخرین لحظات حیات خود با عشق و امید به آینده پیروز - منطبقه کارگرو توده های زحمتکش مقاومت میکنند و سرفراز گبارهای جلادان را پذیرا می شوند، همچنان مدنظر داشته باشیم.

رفقا! همانگونه که قبلاً گفتیم مرحله نویینی در نبرد قطعی میان انقلاب و ضدانقلاب آغاز گشته است. رژیم جمهوری اسلامی که بیش از دو سال با تکیه بر توهمنها و آگاهی توده ها به حکومت دروغ و نیرنگ خود ادامه داد، اکنون در برابر رشد روزافزون نارضایتی توده ها، گسترش بحران اقتصادی و سیاسی موجود و قدرت گیری سازمانها و نیروهای انقلابی، خود را بیش از همیشه ناتوان می بیند، بنا بر این تمام پرده های ریا و فریب را بکنار رزده و آشکارا نبرد مرگ و زندگی را آغاز کرده است. چون سگی هار دیوانه و ارباب هر سو حمله می برد، دسته دسته نیروهای انقلابی را که جرمی از دفاع از آرمان مقدس - کارگران، منافع زحمتکشان و آزادخواهی ندارند در بیدادگاههای شبه فاشیستی خود محکوم و به رذیلتانترین وجه بجوخه آتش می سپارد. رژیم تلاش دیوانه واری را - آغاز کرده است تا بخیال خود با ایجاد محیط رعب و وحشت و تبلیغات زهر آگین جلورشد و گسترش سازمانهای انقلابی و جنبش توده ای را سد کند و خود را زور طئه سقوط نجات بخشد. اما برآستی بنا به علل عینی و ذهنی این تلاشها مذبحخانه و کابلا"عبث است.

هنگامیکه دهها و صدها فدائی و مجاهد و انقلابیون دیگر حتی در اسارت بریش رژیم میخندند، تا آخرین لحظات حیات خود آشتی ناپذیر و بیگیر مبارزه می کنند و سرانجام مرگ را با آغوش باز پذیرا میشوند، تمام تلاشهای مذبحخانه رژیم را نقش بر آب میکنند و با این قهرمانی و روحیه انقلابی نشان میدهند که فرزندان برادران و خواهران دهها هزار شهیدی هستند که قهرمانان انقلابی رژیم شاه را در گلوی توپ و تانک و مسلسل خفه کردند، ریشه بر اندام جنایتکاران و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی می اندازند. این است آن عامل ذهنی و آن روحیه انقلابی که خواب و

خیالهای جنون آمیز رژیم را نقش بر آب میکند. از این مهمترین هنگامی پی به عبث بودن تمام این ترشهای ضدانقلابی رژیم و شکست قطعی آن می بریم که در می یا بیسم رژیم موجود در آنچنان بحران اقتصادی و سیاسی گرفتار است که با سانی نمیتواند خود را نجات دهد. احیاء مجدد جنبش انقلابی و آشکار توده ای که بر بسترا بین بحران شکل می گیرد و دوران انقلابی که ما اکنون در آن بسر می بریم با هیچ ترور و شکنجه، اعدام و اختناق قابل مهار کردن نیست، ممکن است با این یورشها و حملات سبانه جنبش دچار رکود لحظه ای و موقتی گردد، اما همانگونه که تاکنون شاهد بوده ایم، دوباره در ابعادی گسترده تر بجرکت در خواهد آمد. این رژیم بنا بر شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی موجود قادر نیست بحران اقتصادی و سیاسی کنونی را حل کند و در کسب سیاسی بالنسبه طولانی را بر جنبش حاکم سازد. از این رو هر یورش رژیم و هر حمله ددمنشانه تنها سقوط آنرا نزدیکتر می سازد. با چنین ارزیابی از وضعیت کنونی و چشم انداز آینده است که نیروهای انقلابی باید در هوشیاری خود را حفظ کنند و خون سرد وظایف انقلابی خود را در جهت آماجگی برای نبردهای تعیین کننده قریب الوقوع انجام دهند. از این رو رفقای هوادار سازمان باید به رهنمودهای زیر توجه داشته باشند و بی گمان وظایف انقلابی خود را انجام دهند.

رفقا! در نظر داشته باشید که یورشهای ضدانقلابی کنونی رژیم، سرکوبها و اعدامهای دستجمعی، همه نند حملات گذشته اش، لحظه ای و فاقه سیستم است. بنا بر این نمیتوانند پایدار بمانند. رفقای هوادار باید درک این واقعیت و در نظر گرفتن اینکه رژیم همانند ما رزخم خورده است که میکوشد در آخرین لحظات حیات خود آخرین زهر خود را بریزد، باید در لحظه کنونی خود را از گزند آن مصون دارند و بنا بر این رعایت موازین اکید امنیتی و مخفیکاری امری ضروریست. در شرایط کنونی رفقای هوادار باید هوشیاری خود را چندین برابر کنند و اصول و ضوابط مخفی کاری را رعایت نمایند. البته نباید فراموش کرد که مخفی کاری بهیچوجه بمعنای پنهان شدن و دور شدن از توده ها نیست بلکه بالعکس، ارتباط فعال و نزدیک تر با توده ها و زندگی در میان آنهاست. فعلاً نه در میان رزات توده ها شرکت کنید و مبارزات آنها را ارتقاء بخشید.

رفقا! همانطور که میدانید رژیم با استفاده از تمامی اشکال پلیسی، تعقیب و مراقبت و جاسوسی در جستجوی نیروهای انقلابیست و تاکنون به بسیاری از خانه های شناخته شده (مثل خانه های

خانواده های شهدا و رفقای که قبلاً - دستگیر شده اند و آنهارا درس دارند) یورش برده است. بنا بر این در محصل سکونت خودنها بیت دقت را داشته باشید. از رفت و آمدهای زائد و مشکوک کننده - خودداری کنید، از ارتباطات بیهوده بپرهیزید، جلسات بحث و گفتگوی جمعی را موقتاً محدود کنید. محل زندگی خود را کاملاً پاکسازی کنید، اسناد و مدارک را در دسترس قرار ندهید.

رفقا! زمان نبرد قطعی هنوز فرا نرسیده است، اما رژیم با توسل به چنین جنایات هولناکی، چون اعدامهای پی در پی و دستجمعی میخواهد ما را بفرصه نبرد قطعی بکشاند. با درک عمیق و مسئولانه از موقعیتی که در آن قرار داریم در مقابل چنین جنایاتی به احساسات لحظه ای تن ندهیم، دچار هیچان زدگی و عصبانیت نشویم، آرامش خود را حفظ کنیم. ما اکنون آنقدر تجربه آموخته ایم که اسیر تحریکات رژیم نشویم. ما آنقدر تجربه کسب کرده ایم که در نبردی که دشمن زمان و مکان آنرا معین می کند، شرکت نکنیم بلکه زمان و مکان قطعی نبرد را با و تحمیل کنیم. بنا بر این آرامش خود را حفظ کنید و خون سرد به مبارزه ادامه دهید و با ایمان به طبقه کارگر تکیه بر جنبش اعتلا یافته توده ها به امر تبلیغ، ترویج، سازماندهی و تسلیح و آموزش توده اپرودازید.

جنایات رژیم را افشا کنید، اعدامها و سرکوبها را به جریه ای علیه خود رژیم تبدیل کنید. در گسترش و انتقال اخبار مربوط به مبارزات توده ها بکوشید.

در هر گجا که هستید حضور سیاسی خود را با توجه به شرایط موجود نشان دهید. در تکثیر و توزیع نشریات و مواضع سازمان بکوشید حتی اگر محیط بسیار رفقان آور باشد به بخش شینا مه ها و بیا دیگر شیوه های ابتکاری بپردازید.

در هر جا که هستید اخبار مربوط به مبارزات توده ها و گزارش مربوط به روحیات توده ها را برای ما بفرستید. مراکز سرکوب و خانه های امن دشمن، رهبران باندهای سیاه، فقلانژهای حزب الهی، جاسوسان و جنایتکاران رژیم را شناسایی کنید، و هرگونه اطلاعاتی که بدست آورید، در اختیار سازمان قرار دهید.

و با لایحه رفقای که با زداشت می شوند، و با سازمان ارتباط دارند چنانچه به نحوی از انحاء ارتباط آنها با سازمان مسجل شد موظفند حتی در دادگاههای فرمایشی از آرمان طبقه کارگر، منافع توده های زحمتکش و مواضع سازمان دفاع کنند.

پیروز باشید.

بیاد فدائی شهید، سعید سلطانیپور،

شاعر و هنرمند انقلابی

از تاریک شکسته آزادی
این خون سرخ فدائی است
که می جوشد

درخشم خلق، که میکوبد بر مسلخ وین
این مشت سرخ سعید است
فربا دهای عاشقان فدایی
در کارخانه معدن

در کارخانه معدن
در اعتصاب و کشتن راهای خون
فرباد سرخ سعید است

در خون کارگر
در خون بزرگر
در خون سرخ خلق
این خون سرخ سعید است، که میجوشد.

آوازه خوان خونی آزادی! آتشفشان خشم!
دریای مهر و عشق، فرباد خوان شکنجه و شلاق!
آوازه خوان کار و آزادی!

ببگر کنون رفیقانت،
این عاشقان سرخ فدایی
باشینا مه و تفنگ و گل سرخ
از کارخانه تا معدن
از کوره های تب زده تا کشتن راهای سرخ
آواز سرخ فدایی را
فربا دمیکند.

مراکش

بقیه از صفحه ۱۱

عقب نشینی...

آورد، شاه مغرب در مقابل با برآمدن
توده های در شهرها سیاست سرکوب لجام -
گسیخته را پیش میبرد و بشیوه هم روزیم
های ارتجاعی ما نندرزیم ایران اعتصابات
کاگرگری و تظاهرات توده های به گلوله
می بندد و مردم را به خاطر فربا دیر آورد
علیه گرانویبیکا ریواختن ق به زندانها
و کشتارگانها روانه می کند.

تنها در هفته گذشته طبق آمار
اتحادیه سوسیالیستی نیروهای خلق ۲۰۰
تن از زحمتکشان درحالی که علیه گرانوی
وسرکوب شعاری میدادند توسط پلیس مزدور
روزیم ملک حسن توسط گلوله بقتل
رسیده اند. و صدها تن دیگر نیز مجروح -
گردیدند.

روزیم از دادن اجساد گذشته شدگان
به خانواده ها یشان خودداری می کند.
گزارشات خبری حاکی از آن است که تمام
بیمارستانها و شهرها زخمی های حوادث
اخیر بر هستند و در بولتن بیمارستانهای
کاژابلانکا رسماً اعلام گشته که اکثر کشته
شدگان روز خمی ها جایگلوله برتن دارند.
مردم زخمی های بیشتری را بدون آنکه به
بیمارستان بیاورند در خانه ها می بینند
معالجه می کنند زیرا بمحض آنکه مجروحی
قابل انتقال باشد پلیس که بیمارستانها
را تحت اشغال دارد و را به زندان منتقل
می کند.

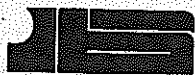
از سوی دیگر بدنیال دستگیریهایی
اخیر پیدا دگانها ی سلطنتی برای رسیدگی
به آنها مات دستگیر شدگان در تظاهرات

بظور سری جلسات سریع و کوتاه مدتی
را تشکیل دادند و درست مانند سردمداران
جنایتکار رژیم جمهوری اسلامی بی آنکه
حتی قوانین ضد خلقی خود رژیم را هم رعایت
کنند به محکوم کردن متهمین می پردازند.
جالب توجه است که آنها بسیار از
مبارزینی که در پیدا دگانها ی مزدک -
مهاکمه میشوند توهین به مقامات مخرب
مملکت یعنی حضرت سلطان حسن و نیز
اقدام به خونت در برابر نیروهای سرکوبگر
ذکر شده است.

البته جلسات دادگاهها نیز بدلیل
ترس رژیم از افشای حقایق توسط مبارزین
کاژابلانکا سریتشکیل می شود.

امادر رابطه با صحرا: از آنجا که
روزیم حسن امروزه در بیکر قافله جلب حمایت
توده های مراکشی از راه برانگیختن
احساسات ناسیونالیستی آنها علیه
پولیساریو و خلق استقلال طلب صحرا است
و پیدا کردن سربازانی که بشود آنها را برای
سرکوب زحمتکشان صحرا برای
و گسیل نمودن شورشها شده است و نیز با توجه
به روحیه شکست خورده و صغوف متلاشی شده
ارتش پادشاهی در صحرای غربی شاه حسن
بفکر توطئه جدیدی افتاده و آن اعلام
موافقت ظاهری با یک رفتار ندم در صحرای -
غربی است برای تعیین سرنوشته مردم
بدست خودشان. جبهه پولیساریو که بسیار
شناخت از مابیت رژیم ضد خلقی و سرکوبگر
ملک حسن به افشای مضمون واقعی این
رفتار ندم دعائی پردازت و صریحاً اعلام
داشت که هرگونه راه حل بدون خروج بسی
قید و شرط چکمه پوشان پادشاهی مغرب از
سرزمین صحرا مردود است و خلق صحرا برای
تحقق خواستهای استقلال طلبانه خود هم
چنان به مبارزه ادامه می دهد.

کمکهای مالی دریافت شده		دبیرستانها		کمیته های مالی	
۲۱۴۲	۱۱۱۱	۳۱۲۰	کا رگرنورد	۱۱۵ ر	ف - خ
۱۴۹۹	۵۸۵۸	۵۲۲۲	پیشگام	۱۰۰	ک - ب
۲۱۶۸	۱۲۰۰	۵۰۰	پیشگام همتینا	نور فولک	روزبه
۳۰۰۰	۲۱۶۸	۲۰۰۰	هسته نینا	۵	توان
۳۳۳۳	۱۲۰۰	۱۰۰۰	مدرسپاینده	۲۰۰	ت - ن
۱۰۲۷۲	۴۸۰۰۰	۱۰۰۰	رفقا پول و نامه	۲۰۰	ش
۲۱۲۴	۲۰۱۹	۱۰۰	شما هم رسیدات	۳۰۳	د
۲۲۰۰	۱۰۰	۱۵۰۰	ر - س	۲۱۰	ن
۲۱۵	۷۲۲	۱۵۰۰	اک - ب	۱۳۵	ش
۲۱۶	۲۱۱	۲۱۵	امانت شمارسید	۲۰	م
۶۲۳	۵۰۰۶	۲۱۶	الف ۴۱۱ (کوپن)	۱۰۰	س
۵۰۰۶	۱۰۴۰۶	۶۲۳	بنزین	۳۰۵	ه
۱۱۳۵	۲۴۰۵	۱۰۴۰۶	۷۳۱۴ (کوپن) بنزین	۹۷	ب
۱۴۰۰	۲۰۸۱	۱۵۰۰۰	م - ۲۴۰	۱۳۰	آ
۲۰۰۳۲	۱۰۰۲۰	۲۰۰۰	۲۲۲ قزوین	۸۰	ع
۵۰۲۸۲	۵۰۴۰۲	۲۰۰۰	نامه ات رسید	۹۰	م - ن
۲۱۲۱	۵۴۰۱	۲۰۰۰	کوپن کیورث	۲۱۰	ف
۱۰۰۷۷	۵۱۲۸	۲۰۰۰	چ	۳۵	ز
۲۰۰۵	۲۰۰۰۶	۲۰۰۰	هواداران سقر	۵۵	ن
۲۰۰۴	۵۰۴۰۲	۲۰۰۰	خ	۱۰۰	غ
۱۵۲۰۰	۲۴۰۵	۲۰۰۰	ک	۸۵	ب
۱۳۱۹	۲۰۲۳	۲۰۰۰	خ	۴۰	م
۱۳۰۰	۱۰۸۱	۲۰۰۰	گ	۱۱۴	ا
	۲۱۳۱	۲۰۰۰	م	۱۱۴	ح
		۲۰۰۰	ت	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ر	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	د	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	س	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ج	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ب	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ا	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ی	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ه	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	و	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ز	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ح	۱۱۴	ع
		۲۰۰۰	ط	۱۱۴	



بقیه از صفحه ۲

تحریم انتخابات ریاست جمهوری

میتوان در جمع بندی وضعیت موجود گفت علیرغم اینکه عقب مانده ترین اقشار توده ها هنوز نسبت به رژیم متوهم و ناآگاهانه، مشروعیت رژیم جمهوری اسلامی در یک برآورد کلی در میان توده ها از میان رفته است. توده ها اینک امید خود را به بهبود شرایط موجود از دست داده اند و در عین حال توهمان نسبت به امکان تغییر ازبالاتر از جانب بنی صدر و لیبرالها نیز فرو ریخته است.

توده ها بدرستی در تجربیات عملی خود پی برده اند که برای و نظرات آنان، حتی رای و نظرات اقشار متوهم توده ها نیز در تعیین سرنوشتشان و در تعیین سیاستهای رژیم تا ثیری ندارد. توده ها بدرستی درک کرده اند که در چنین نظامی با چنین چهارچوبی از قانون همه چیز تحت کنترل و اراده قدرتی "ما فوق" قانون یعنی ولایت فقیه است (در عین حال که در میا بند ولایت فقیه نیز خود چیزی جدا از رژیم نیست بلکه جزو آن و متاثر از آن است، ولایت فقیه ابزار است در دست بورژوازی تجاریت) بهر رو توده ها دیدند که چگونه آراء آنان (هر چند آراء اقشار متوهم خلق) به راحتی با یک شعبده بازی سیاسی ناپدید و پامال شد. و همانطور که قبلاً در سرمقاله کار ۱۵۸ گفته ایم "اکنون... شرایط فراهم شده است که ما میتوانیم و باید بطرح شعارها را بپردازیم که مستقماً "حاکمیت را زیر علامت سوال قرار دهد. هنوز نمیتوان سرنوشتی قهر آمیز حاکمیت را طلب کرد بلکه باید از وضعیت ترین و آسیبنا پذیر ترین حلقه آن آغاز نمود" ما طرح کردیم که این ضعیف ترین حلقه، این منفورترین در نزد توده ها همانا حزب جمهوری اسلامی است و اینک با در نظر گرفتن تمام جوانب با در نظر گرفتن اینک که انتخابات مستقیماً "در دست حاکمیت و کاندیدانها نیز مستقیماً وابسته به حاکمیت، میتوان توده ها را به تحریم انتخابات دعوت کرد. تحریم اینک در عین حال که دستوراً غا ز قیام نیست اما توده ها را به رودروئی با رژیم فرا میخواند و تا کتیک در جهت فرا

خواندن توده ها به سرنوشتی رژیم است. تحریم اینک در عین حال که منطبق با سطح مبارزات توده ها است و از جمع بندی تجارب عملی آنان منتج میگردد بقایای توهمان آنان نسبت به امکان تغییر ازبالاتر از نیز می زدا بدویی اعتمادی به رژیم و عدم امید به تغییر ازبالاتر از دروسیعترین اقشار خلق تثبیت می کند. سواى آنچه که گفته شد، شرایطی را نیز که حاکمیت دیدار آورده است، خود در زمره عوامل دیگر است که ضرورت تحریم را دو چندان می کند. اکنون نه تنها از سازمانهای انقلابی حق هرگونه فعالیت علنی سلب شده است، نه تنها هرگونه امکان برای تبلیغ علنی و شرکت علنی در مبارزات از آنها سلب شده و در معرض بازداشت، زندان و اعدام قرار دارند بلکه حتی اپوزیسیونهای ضد انقلابی نیز در انتخابات اخیر شرکت نخواهند داشت. هدف بندهی نیروهای سیاسی بخوبی این مسئله را نشان می دهد، ما اکنون با سه گروه بندی گما بیش روشن در عرصه سیاسی ایران روبرو هستیم

الف - حزب جمهوری اسلامی به نمایندگی بورژوازی کلبیکال، حزب توده و جناح راست اکثریت، این سه در مجموع نیروهای هستند که در انتخابات اخیر شرکت خواهند کرد.

ب - سازمانها و گروههای مارکسیست - لنینیست، مگر آنها انقلابی در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

ج - طیف وسیعی از نمایندگان بورژوازی لیبرال و نمایندگان بورژوازی بزرگ، این گروه نیز در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

در مجموع تنها بخش محدودی از نیروهای سیاسی موجود با یک توده ای و توان اقتصادی و سیاسی محدود در انتخابات شرکت خواهند کرد و بقیه نیروها این انتخابات را تحریم خواهند نمود.

"مسئله بسیار مهم دیگر که در انتخابات کتیک تحریم باید به آن توجه نمود خود ویژگی شرایطی است که ما اکنون در آن بسر می بریم. علیرغم تمام سرکوبها و ددمنشی های رژیم جمهوری اسلامی طبعه های مبارزات کما "ملا" انقلابی و اشکال مبارزات آشکار توده ای و اقبال روز افزون بسوی نیروهای انقلابی وجود دارد. در این شرایط تا کتیک تحریم مکرر مبارزات و وجگیرنده توده ها و تا کتیک در جهت بسیج بیشترین نیروی باشد.

"یک نشانه که بتهنای وبدون هیچ اشتباهی و بشکل مشخص خیزش (از دیدگاه سازمانهای انقلابی) را نشان میداد این واقعیت بود که شعارهای انقلابیون نه تنها عکس العمل بوجود می آورد بلکه واقعا "زوا قع عقوبت افتاده بود"، در سال ۱۹۵۵ هیچ فراخوانی از طرف آنها نبود که توده ها غیر فعال، با سکوت، یا با عدم شرکت در مبارزات جواب داده باشند، تحریم درندگان شرایطی یک مکمل طبیعی برای تشدید آتمسفرشاز شده بود. شعار تحریم چیزی را در آن زمان "اختراع" نکرد. آن شعار تنها واقعا "بطور صحیح خیزش را که بتدریج در جهت حمله مستقیم پیش میرفت فرموله کرد" (علیه تحریم کلیات حلد ۱۳)

تا کتیک تحریم در شرایط فعلی بشکل طبیعی مکمل شعار طرح شده از سوی ما یعنی مرکب از حزب جمهوری اسلامی، زنده باد دشواریهای انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس موسسان است. اینک نه تنها با یدان انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کرد بلکه با یدار از آن لزوم تشکیل مجلس موسسان مبتنی بر شوراهای انقلابی را تبلیغ نمود. اینک با یدانه توده ها گفت که این انتخابات نیز چون سایر انتخابات در جهت تثبیت هر چه بیشتر حزب جمهوری اسلامی، در جهت قانونی کردن نهاد های سرکوب، در جهت قانونی کردن قیبه قدرت بدست حزب و در جهت سرکوب هر چه بیشتر توده ها است. با یدانه توده ها گفت تنها سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی، تنها تشکیل شورای انقلابی، تنها برقراری مجلس موسسان است که میتوانند به خواستهای برحق شما جا معه عمل بنویسند. شعار تحریم اهمیت جدی در رابطه جداننا پذیرش با فراخوان مستقیم مردم به قیام مسلحانه برای سرنوشتی رژیم با حکومت موقت انقلابی برای به وجود آوردن مجلس موسسان بر اساس رای مخفی، عمومی و مساوی و مستقیم، دارد. (تزه ای گزارشی کنفرانس در شهر سنت پترزبورگ، نظریه حزب کار سوسیال دموکراسی نسبت به دوما سوم)

توده ها منجر شد. هرگاه بخواهم خلاصه کنیم، توده ها در پروسه مبارزاتی خود و در تجربیات عملی شان بخوبی دریافته اند که رژیم جمهوری اسلامی با سخگوی خواستها و نیازها یشان نیست و از اینرو روز بروز بیشتر توهمان خود را نسبت به امکان تغییر و وضع ازبالاتر از دست میدهند. سرنوشتی شرکت کنندگان در انتخابات و بخصوص انتخابات مفتضحانه میان دوره ای بخوبی این مساله را نشان میدهد. اگر تا بحال چشمداشت توده ها به با لائیکها شرکت و وسیع آنها را در انتخابات رژیم میشد اگر تا بحال فضای مهیت فذخلقی رژیم از طریق شرکت در انتخابات صورت میگرفت اینک دیگر توده ها در تجارب عملی خود پی به بهبود بودن این انتخابات نبرده اند. تا کتیک ما باید تهور این تجارب عملی توده ها، جمع بندی آن و در جهت کار بست این تجارب باشد.

تا کتیک که از سوی ما انتخابات میشود مشخصاً "با ید در جهت تثبیت این بی اعتمادی مردم به حرکت و تغییر از با لدر جهت زدودن توهمان قانونیست. این تا کتیک با یدانه تنها عدم امکان تغییر در جهت توده ها از سوی حزب جمهوری اسلامی را (که اینسک توده های وسیعی به آن باور دارند) تثبیت کند بلکه با یدایی اطمینانی نسبت به لیبرالها و قطع امید نسبت به امکان حرکت مثبت از سوی آنان را نیز (که در هفته های اخیر بشدت رشد نموده) داد من زده تثبیت نماید. تا کتیک ما در مورد انتخابات با ید مشخصاً "در خدمت ایدانه عدم امکان هرگونه تغییر ازبالاتر از داشته باشد.

از سوی دیگر با ید شرایط مشخص موجود را بررسی نمود. اینک اقشار وسیع توده ای از رژیم جمهوری اسلامی بریده اند. اینک توده ها تحت شدیدترین فشارها، فقر، گرسنگی، بیکاری و آوارگی قرار دارند و بدرستی نیروی دریافته اند که با سخ رژیم جمهوری اسلامی با یدانه خواسته ها یشان بجز حمایت از سرمایه داران و زمینداران و بجز اعمال سرکوب چیز دیگری نیست. در عین حال او جگیری مبارزات طبقاتی در یکما هه اخیر و سرعت وقایع توانسته است با سرعتی شگفتی آوری توهمان اقشار وسیع توده ها نسبت به بنی صدروسا لیبرالها را تا حدودی آیدیزداید. توده ها در تجربه عملی خود دریافته اند که بنی صدرو لیبرالها در کنار آنها قرار ندارند و در جهت خواستهای آنان مبارزه نمی کنند. شکل حرکت و فرار بنی صدر، که حتی در آخرین لحظات برگزینی نیز نه تنها کوچکترین اعتمادی به مبارزات توده ها نشان نداد بلکه به خمینی و در نتیجه نظام جمهوری اسلامی اعلام وفاداری نمود، عملاً "به بی اعتباری بنی صدر در نزد توده ها منجر شد.

بهر رو مبارزات توده ها او جسی نوین یافته است. اینک دیگر میتوان گفت توده های پیشرو و در روی بنا

رژیم جمهوری اسلامی را آغاز کرده و تجربه می کنند. مبارزات خلق عمدتاً "چهار چوب قانون بورژوازی را می شکنند و در و رای آن شکل میگردد. توده ها اشکال متنوعی از مبارزه بر ضد رژیم را بکار گرفته اند که از ابتدای تریس و منفعلانه ترین شکل عتراضات لفظی و حتی لطیفه ساز تا عالیترین اشکال مبارزاتی، رودروئی مسلحانه و یا راهیمائی نظیر کارگران شهر صنعتی البرز را در بر می گیرد. آنچه گفته شد،

انتخابات میان دوره‌ای مجلس نموداری از سلب اعتماد توده‌ها از نهادهای حاکمیت

دولت تحت کنترل حزب جمعه‌خواری اسلامی، پس از کنایه‌ها و گستاخانی بنی‌صدری و یورش به نیروهای انقلابی، تعطیل تمسکات روزنامه‌های غیرحزبی و اعدام دسته‌جمعی مبارزان و انقلابیون و ایجاد محیط ترور و وحشت و اختناق در بین مردم، موقعیت را برای انجام انتخابات میان دوره‌ای مناسب دید. و با عجله در ۱۹ شهریور انتخابات را انجام داد. سرمدار را رژیم تصمیم گرفتند تا تنور گرم آن‌ها را با بچسباندند. هر چند رژیم توانست در چنین جوی نوکران و عوامل خود را از صندوق‌ها بیرون آورد اما گزارشاتی که در مطبوعات منتشر شده بروشنی نشان می‌دهد که با تمام تقلبات و رای سازی‌هایی که کرده‌اند مردم عملاً انتخابات را تحریم کرده و در آن شرکت نکرده‌اند. نگاه‌های سلب اعتماد درای دهندگان - که از طرف دولت اعلام شده - و مقایسه آن با انتخابات همین مجلس در یکسال پیش نشان می‌دهد که تعداد درای دهندگان چندرکاهش داشته است. مثلاً در تبریز تعداد درای دهندگان دوره قبل برای مجلس تقریباً ۲۵۰۰۰۰ - / و در این دوره ۲۰۰۰۰ - / است. وزارت کشور در انتخابات اخیر تنها ۴۱۶۵ نفر شرکت کرده‌اند یعنی بان ترتیب

تعداد درای دهندگان به حدود یک‌تقلیل یافته است. قابل توجه است، کسسه جمعیت تبریز طبق آمار سال ۵۵ ۱۵۷۱۷۲ نفر بوده است که با احتساب ۱۳۹۹۹۹ نفر جمعیت طرف ۵ سال می‌تواند حدود ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر باشد و بنا بر این سید محسن پور میرغفاری که با ۵۲۹۷۱ رای انتخاب شده تنها نماینده ۴ درصد مردم تبریز می‌باشد و در حقیقت از طرف مردم نمایندگی ندارد. ویسا در کرمان تعداد درای دهندگان در دوره پیشین ۷۵۷۴۳ نفر بوده که در این دوره به ۳۳۴۲۰ نفر تقلیل پیدا کرده. یعنی تعداد درای دهندگان فعلی ۴۰ درصد در دوره قبل است. از طرفی جمعیت تقریبی کرمان ۳۰۰۰۰۰ نفر است بنا بر این جهت اسلام فهمیم، جنا بیکاری کسسه مسئول سنگسار کردن و بریدن دست و اعدام کردن بسیاری از مردم کرمان است و فقط ۳۰۷۸۱ رای از کرمان و ما همان را و روگلیب آ آورده‌اند تنها نماینده در صد مردم می‌باشد و بقیه شهرها نظیر بندر آ، رودسر، سیرجان دره گز و... هم دست‌های زشهرهای فوق ندارند و ما وضع آنها را در جدول زیر نشان می‌دهیم.

شهر	۹۰ انتخابات پیشین	۹۰ انتخابات اخیر	درصد کاهش	جمعیت تقریبی شهر	آراء نماینده منتخب	درصد آراء تقریبی
۱- تبریز	۲۵۰۰۰۰	۲۰۰۰۰۰	۱/۴	۵۲۹۷۱	۲۰۰۰۰	۴ درصد
۲- اهلی	۲۶۴۱۶	۲۰۰۰۰	۱/۳	۲۸۲۸	۹۰۰۰	۵/۵ درصد
۳- کرمان	۷۵۷۴۳	۳۳۴۲۰	۱/۲	۳۰۷۸۷	۳۰۰۰۰	۱۰ درصد
۴- رودسر	۱۷۱۲۹	۱۵۰۰۰	۱۹۰۰۰	۷ درصد
۵- سیرجان	۱۹۴۰۲	۱۵۵۲۶	۱۵۰۰۰	۱۰ درصد
۶- دره گز	۱۱۳۸۲	۱۰۵۱۱	۶۰۰۰	۱۷ درصد
۷- هنرود	۱۰۳۲۴	۵۲۰۰	۲۰۰۰	۲/۶ درصد
۸- کاشمر	۲۱۳۲۵	۲۹۸۵۸	۱۷۰۰۰
۹- سروان	۱۰۱۲۹	۶۶۷۴	۷۰۰۰	۹ درصد
۱۰- بندر لنگه	۹۶۹۱	۱۰۰۰۰
۱۱- مانه	۲۳۴۴۸	۱۶۰۲۴	۳۳۰۰۰	۷ درصد
۱۲- سروان	۱۲۹۹۵	۱۲۸۶۲	۹۵۰۰۰	۱۵ درصد

اما بسیار جالب است که روزنامه‌های جیره‌خوار رژیم نظیر اطلاعات این عدم استقبال را در دهندگان را "استقبال کم نظیر" بشمار آورده و وقیحانه نوشته است: "بعثت استقبال کم نظیر مردم ساعت پایان اخذ رای تا ساعت ۹ دیشب تمدید شد" با توجه با اینکه آثار رهسای خودشان نشان می‌دهد که عملاً مردم انتخابات را تحریم کرده و از شهریک میلیون و دویست هزار نفری تبریز فقط ۶۴ هزار نفر شرکت کرده‌اند! قرار اینکه زمان را تمدید کرده اند میرسانند که آنها خواسته‌اند در یکی دو ساعت تمدید شده هر نوع تقلبی را انجام داده و صندوقها را با رای قلابی پر کنند و بدین ترتیب میتوان نتیجه گرفت که همین آراء منتشر شده هم بمراتب بیش از آراء واقعی مردم است.

انتخابات میان دوره‌ای بروشنی نشان داد که اکثریت وسیعی از مردم اعتماد و اعتقاد خود را نسبت به نهادهای قانونی نظیر مجلس، دولت و... از

دست داده‌اند زیرا همین یکسال و اندی که از عمر مجلس میگذرد برای مردم کافی بوده تا به ما هیت ضد مردمی آن‌ها بزنند مردم متوجه شدند که این چنین نهادهایی با توجه به ما هیت خود، نحوه انتخابات ضد مکران و تیک آن و اینکه مردم قادر نبودند نمایندگان واقعی خود را به آن فرستند، اینکه هیچکس حتی لیبرالها قادر نبودند در مجلس حرف خود را بزنند و از همه مهمتر اینکه این مجلس در تمام طول حیات خود به کوچکترین خواسته و انتظار آنها پاسخ نداده است و آنچه بصویب رسانده علیه توده‌ها بوده است قابل اعتماد نیست. بنا بر این با وجود تمام تبلیغات و تهدیدها و اینکه خمینی شرکت در انتخابات را تکلیف شرعی اعلام کرد حاکمیت نتوانست جز تعداد بسیار معدودی از مردم را به پای صندوق‌های رای بکشد و بدین ترتیب مجلس شورای اسلامی بی‌آبرو و تراشه به نهادهای کوچکترین پایگاه‌های در میان توده‌ها ندارد و مبدل میگردد.

اعدام رفقا محسن فاضل و سعید سلطانیپور

لکه‌نگی دیگر بر دامان رژیم جمهوری اسلامی

اعدام‌های گروهی و بدون محاکمه انقلابیون در زندان‌های جمهوری اسلامی، موجی از خشم و نفرت در سراسر جامعه برانگیخته است. سازمان‌ها و گروه‌های مختلف طی بیانیه‌هایی این اعدام‌ها را قرون وسطایی و بخصوص اعدام انقلابیون شایسته شده‌ای همچون سعید سلطانیپور و محسن فاضل را محکوم کرده‌اند. سازمان زحمتکشان کردستان ایران (کومه‌له) در بخشی از اعلامیه خود می‌نویسد:

اعدام رفقا محسن فاضل و سعید سلطانیپور لکه‌نگی دیگر بر دامان رژیم جمهوری اسلامی است. دیروز از ادبوشنیدید که با نزدیکی (۱۵) نفر زن و مرده حتی هیت تعدادی از آنها مشخص نبود اعدام گردیدند. امروز صبح خبر اعدام هشت (۸) نفر دیگر که با زهویت دو مرد و یک زن از آنها معلوم نبود را شنیدید، "همه" "بجز" "م" شرکت در اغتشاشات اخیر می‌بینید که حکم دادگاه‌های ضد انقلاب رژیم جمهوری اسلامی حتی ننگین ترا از حکم دادگاه‌های ضد انقلابی آریا مهر و از راهی است تا جایی که زحمت‌شناسانی متهم را نیز به خود نمی‌دهند. زهی وقاحت و بی‌شرمی در میان ما بین هشت نفر اسم دو چهره آشنا رفقا محسن فاضل و سعید سلطانیپور را شنیدید. این رفقا ماها قبل توسط مزدوران رژیم دستگیر شده بودند.

رفیق محسن فاضل از کارهای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و مبارزی قدیمی بود که بهترین سالهای زندگی‌اش را در مبارزه با دیکتاتورسیاه آریا مهری بسر برده و در راه منافع زحمتکشان با سرما به داران جنگیده، چه در آزادی و چه در اسارت هیچگاه تسلیم سرما به داران نگردید و به منافع کارگران و زحمتکشان پشت نکرد.

رفیق سعید سلطانیپور کار در سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) بود. او شاعر انقلابی دوران خفقان آریا مهری و از سرآمدهای ادبیات نوین انقلابی میهن ما بود که عملاً در عرصه هنر و ادبیات به مبارزه با سرما به داری و دیکتاتورسیاه آریا مهری برخاسته و در سولهای ساواک وحشیانه ترین شکنجه‌ها را تحمل نموده و سالها از عمرش را در سیاه چالهای رژیم پهلوی گذرانده بود.

کارگران و زحمتکشان! علیه گستاخ‌ها و خفقان بویژه سرکوب و اعدام نیروهای کمونیست و انقلابی و حمله رژیم جمهوری اسلامی به دستاوردهای قیام بهمین عمده سرکوب آزادی و دموکراسی انقلابی اعتراض نمائید.